مدیریت شهری
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015
۱۳۵-۱۶۴
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۷ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱/۱۸

گفتمان آینده پژوهیِ آرمانشهری در شهرهای امن اسلامی در بستر دُکترین مهدویت

محمد مهدی بلندیان*- کارشناسی ارشد معماری گرایش مرمت و احیاء بناها و بافت های تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

چکیده
آینده پژوهی مجموعه تلاش‌هایی است که با واکاوی منابع، الگوها، و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسّم آینده‌های بالقوّه و برنامه ریزی برای آنها می‌پردازد. آینده‌پژوهی بازتاب دهنده چگونگی زایش واقعیّت «فردا» از دل تغییر (یا ثبات) «امروز»، است. بر این اساس، ترسیم چشم‌اندازی جامع در حوزه شهرسازی و آینده شهرها در ایران اسلامی، نیازمند تدقیق در مولفه های آرمانشهر ایرانی- اسلامی آنهم شهرهای امن با رویکرد آینده پژوهی است که با توجه به گفتمان مهدویت، لازم است تا شهرها مطابق با ضوابط، اصول و معیارهای طراحی و آماده سازی شوند که زمینه ساز ظهور امام عصر (عج) و تحقق شهرهای مبتنی بر اصول و معیارهای فرهنگی دین مبین اسلام باشند. روش تحقیق مقاله، روشی توصیفی- تحلیلی است که از روش استدلالی نیز در تبیین مولفه های آرمانشهری، گفتمان مهدویت و فرآیند آینده پژوهی بهره برده است. در ضمن روش اسنادی و رجوع به مطالعات کتابخانه‌ای و اسناد موجود نیز مورد توجه بوده است. در این پژوهش در رویکرد آینده پژوهی و با رجوع به مفاهیم آرمانشهر ایرانی، و در قالب گفتمان صالحه مهدویت که در اینجا از اندیشه مهدویت امام خمینی (ره) به عنوان مبنای نظری استفاده کرده است، تلاش شده است تا مولفه ها، معیارها و راهکارهایی برای بسترسازی و آماده سازی شهر و تمدن ایرانی برای مقدمات ظهور و جایگاه و نقش برنامه ریزی شهری و شهرسازی در این رابطه پرداخته شود که به اختصار مورد اشاره قرار گرفته است.
واژگان کلیدی: آینده پژوهی، شهر امن، گُفتمان مهدویت، آرمانشهر اسلامی.

Discourse of utopian future studies in Iran on Mahdism doctrine

Abstract
Analysis of future efforts with resources, models and agents of change or stability, to visualize the potential futures and plan for them; Future reflects the reality of tomorrow's generation from the change (or stability) today. Accordingly, outlined a comprehensive vision of urban development and the future of cities in the Islamic Republic of Iran, the Iranian-Islamic utopia needs to scrutinize the components approach the future. According to the discourse of Mahdism, are required to comply with city regulations, principles and standards that are designed to prepare the ground for the emergence of Imam Mahdi (aj) and the realization of cities are based on the principles of Islam and cultural criteria. The research paper is descriptive method of reasoning also explains the components of the utopian discourse of Mahdism and futures benefited. The documentary method and reference to library studies and documents have also been considered. In this future approach and by reference to the concept of utopia Iranian Mahdism in a competent dialogue here the idea of Mahdism of Imam Khomeini is used as a theoretical basis. Try to components, standards and solutions for the infrastructure and preparing the groundwork for the emergence of Iranian civilization and the role of urban planning and urban development is addressed in this regard.
Keywords: future studies, architecture and urban planning discourse Mahdism, the Islamic utopia.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۵۵۴۲۲۶۳، رایانامه: m.bolandian@yahoo.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

اللّهـم صـلّ علـی محمّـد نبیّـک و رسـولک و خِیَرَتِکَ مـن خَلقـک و اَمینک علی وحیـک البشـیر النذیـر السّـراج المنیر الـذّی انعمت به علـی المسـلمین و جَعلْتهِ رَحْمـةً لِلْعالمیـن و علـی اله المُنْتَجبیـن الطَّیِّبین الطّاهرین اَئِمّهُ الهـدی وَ مَصابیحِ الدُّجـی و اعـلام التّقـی و کَهْفِ الْوری و حُجَـج اللهِ الْمَعصومیـن المُتّقین الصّادقین المُطیعیـنَ لِلّه سَـیُّماَ الامـامُ المُبیـن صاحبِ الامـرِ والزَّمـان مُجَلّی الظُّلْمَـهُ و مُنیر الحَـقّ نُـورَ اللهِ الَّذی یَهتَدی بِـه المُهتَدوُن، الحجهُ القائم المنتظـر المُحمّد المهدی (ارواحنـا فداه)

مقدمه

«آینده پژوهـی» از مهمتریـن موضوعاتـی اسـت که در دنیـای معاصـر مورد توجـه صاحبنظران و پژوهشـگران علـوم قـرار گرفتـه کـه لازم اسـت تـا در معمـاری و شهرسـازی نیز موردنظر باشـد؛ چراکه ضرورت ترسـیم چشـم‌انداز و جایگاهـی بـرای آینده شـهرها از مقولات مهمـی اسـت کـه بایـد در فراینـد برنامه‌ریزی شـهری و تدویـن طرحهـا و آینده سـکونت بشـر لحـاظ گردد[1]. از سـویی دیگـر، «آرمانشـهر ایرانـی» همـواره یکـی از اصلی‌تریـن و اساسـی‌ترین خوسـتها و آرمان‌هـای برنامه‌ریـزان و معمـاران در قالـب نظریه‌پـردازی و حتـی تدویـن برنامه‌هـای عملی بوده اسـت که سـابقه و پیشـینه‌ای تاریخـی داشـته و حتـی صبغـه‌ای دینی و ارزشـی در فرهنـگ و هنـر ایـن سـرزمین برجـای گذاشـته اسـت و خـود را بـه انحـاء و اطـوار گوناگـون در طـول تاریـخ شهرنشـینی و معمـاری شـهری ایـن سـرزمین به‌منصـه ظهـور گذاشـته اسـت. ایـن امر در ایـران اسـلامی کـه داعیـه اسـلام نـاب محمـدی (ص) دارد و افتخـار آن را در خـود مـی پرورانـد کـه محـل ظهـور یگانـه منجی عالم بشـری مهـدی موعـود (عج) باشـد، اهمیتـی دوچنـدان پیـدا می‌کنـد؛ چنانچـه در دوران جدیـد، تمامی ادیان الهی بـر ضرورت انکارناپذیر مهدویـت بـه عنـوان حقیقـت مشـترک بیـن الادیانـی صحـه گذاشـته و مهدویـت را بـه معنای اعتقـاد وجود مهـدی موعود تعریـف کرده‌اند کـه در آخرالزمان ظهور می‌کنـد[2] و منتهـی بـه ایجـاد «شـهرهای امـن» بـرای مسـلمین می‌گـردد.

عـلاوه بـر ایـن، تاریـخ بشـر نشـان می‌دهد که انسـان همـواره بـه دنبـال تأسـیس جامعـه‌ای بریـن بـوده که در آن همـه امـور بـر وفـق مـراد و مطابـق میل باشـد؛ جامعـه‌ای کـه در آن نـه خبـری از ظلـم و تبعیـض، و نـه اثـری از جنـگ و سـتیز، و نـه ردپایـی از جهـل و فقـر و مـرض باشـد. ایـن کمال‌یابی، مدام فکـر عده‌ای از متفکّـران و اصلاح‌طلبـان را به‌خود مشـغول داشـته و آنـان را بـه طراحـی حکومتـی ایـده‌آل کـه برآورنـده آرمانهـای فـوق باشـد، وادار نمـوده اسـت. چنیـن جامعـه‌ای در زبـان اروپایـی «اتوپیـا»[3] در زبـان عربـی «مدینـه فاضلـه» و در فرهنـگ فارسـی «آرمانشـهر»

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۱. نخستین فعالیت آینده پژوهی در قالب یک بررسی علمی در سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳ توسط گروهی از پژوهشگران و با سرپرستی «ویلیام اف آگبرن» در زمینه جامعه‌شناسی که علم نوپایی شناخته می‌شد، در آمریکا انجام گردید. این گروه برای نخستین بار روش شناسی علمی همچون «برون یابی» و بررسی‌های علمی را در مورد روندهای اجتماعی روز آمریکا به انجام رسانده و ضمن انتشار اولین کاتالوگ روندها در آن کشور، موفق به آینده‌بینی‌های مهمی از جمله افزایش نرخ مهاجرت و ازدیاد طلاق شد. همچنین بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم، و به دنبال تجزیه و تحلیل فناوریهای مورد استفاده در آلمان و ژاپن، شیوه‌های نوینی برای آینده پژوهی ابداع شد و در نتیجه آن دستاوردهای مهم فناوری در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شامل رادار، موشک‌های بالیستیک قاره پیما و حمل و نقل هوایی از قبل پیش بینی شد. برای معرفی سیر تحول تاریخی آینده-پژوهی، گستره وسیعی از جریانهای اصلی و خاستگاه های گوناگونه را باید شمرد. بررسی کامل تاریخچه آینده پژوهی و نیازمند تلاشی گسترده و معرفی صدها جریان، و سازمان است تلاش های دانشمند جامعه شناس به نام ویلیام اف آگبرن و همکاران او به ویژه «اس کولوم. گیل فیلان» را می توان سرآغاز یکی از این جریانها دانست.

۲.این عقیده شیعه که پیوسته باید حجت حق به‌طور حی و زنده در روی زمین باشد تا واسطه برکات فیوضات الهی برای همه جهانیان به شمار آید، پایه مکتب تشیع را تشکیل می‌دهد (نک: معرفت، گفتمان مهدویت، ۱۳۷۷، ص ۳۵).

۳. اصل واژه utopia یونانی است و معنی آن «جایی که وجود ندارد» یا «ناکجاآباد» می‌باشد. اتوپیا Utopia واژه‌ای است مرکب از OU (او) یونانی به معنای «نفی» و کلمه TOPOS(توپوس) به معنای «مکان» می باشد؛ بنابراین از لحاظ لغوی به معنای «لامکان» می باشد. آرمان‌شهر نمادی از یک واقعیت آرمانی و بدون کاستی است. همچنین می‌تواند نمایانگر حقیقتی دست نیافتنی باشد. از افلاطون به‌عنوان نخستین فیلسوف آرمان‌گرای اندیشه غرب نام می‌برند. در واقع آرمان‌شهر با مفهوم ایده افلاطون هماهنگی کامل دارد. این اندیشه وی را می‌توان در رساله جمهوریش یافت. در رساله جمهوری، افلاطون سیاست را به عرصه‌های گسترده‌تری همچون دولت و قانون اساسی بسط می‌دهد. افلاطون خطوط اصلی که برای سازماندهی یک شهر آرمانی لازم است را به تصویر می‌کشد؛ به همین سبب از وی به‌عنوان بنیانگذار این اندیشه نام برده می‌شود.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

گفتـه می‌شـود. در طـول تاریـخ، افلاطـون بـا طـرح «شـهر مراد» در کتـاب «جمهـوی» در ۲۳۰۰ میلادی و «آگوسـتین» در قـرن چهـارم میـلادی در کتـاب «شـهر خـدا» و سـپس «فارابـی» در قـرن چهـارم در کتـاب «سیاسـت مدنیّه» از کسـانی هسـتند که فقدان مدینـه فاضلـه را درک کـرده انـد. نکتـه قابـل تامل در اندیشـه های آرمانشـهر زمینه هـای ظهـور در تمـدن و شـهرها و رویکرد غالباً دینی و مذهبی آنها بوده اسـت؛ چنانچـه در ادیـان مختلـف، چنین اعتقـادی به صورت ملموسـی تجلی یافته اسـت و منجی موعود با تعابیری نظیـر «کالکـی» در آییـن هنـدو، «مسـیحا» در یهود و مسـیحیت، «سوشـیانت» در زرتشـت و «مهدی (عج)» در اسـلام تعریـف شـده اسـت. همچنیـن، «دکتریـن مهدویـت» را نبایـد نظریـه‌ای صرفاً مذهبی یا سیاسـی دانسـت، بلکـه آن را بایـد در کنار نظریه‌هـای جهانی و تحـولات جهانـی مطـرح کـرد. لـذا، در میراث مـا آمده اسـت همه پیامبران الهی که از سـوی خدای متعال در میان بشـر مبعوث شـده‌اند، برای رسـیدن بـه دو هدف اساسـی کوشـیده‌اند: ۱. برقـراری ارتبـاط صحیح میان بنـده و خالق؛ یعنی منع بشـر از پرسـتش هر موجودی غیـر از خالـق خـودش، بـر اسـاس کلمـه طیبـه «لااله الاالله»؛ ۲. برقـراری روابـط حسـنه و صالحـه میان افراد بشـر، بر اسـاس عدالـت و صلح و صفا، تعاون، احسـاس عاطفـه و خدمـت بـه یکدیگـر. ائمه نیز درصـدد تبیین چنیـن چیـزی بـرای زندگی بشـر بوده‌انـد و در این راه کوشـش‌های فراوانـی کـرده و مرارت‌هـای بسـیاری را متحمـل شـده‌اند، ولـی تابه‌حال نتوانسـته‌اند عدل کلی را برقـرار سـازند؛ یعنـی روزی برای بشـر پیش بیاید که در آن روز، اثـری از ایـن ظلم‌هـا و سـتم‌ها و تبعیض‌هـا و جنگ‌هـا و لـوازم اینهـا، یعنـی دروغ‌هـا و نفاق‌هـا و نیرنگ‌ها وجود نداشـته باشـد[1] (مطهـری، ۱۳۸۱: ۱۸، ص ۱۵۲). در عصـر موسـوم بـه جهانی شـدن که تلاش برای گسـترش سـلطه فرهنگ غـرب در جریان اسـت، فرهنـگ مهدویـت می‌توانـد جانشـین مناسـبی بـرای حرکـت جوامـع بشـری بـه سـمت جهان‌بینـی الهـی تعریف و تفسـیر شـود. بدیـن ترتیب، حکومـت جهانی حضـرت مهدی(عـج)، پدیـده‌ای بی‌بدیـل و بی‌نظیـر اسـت. مبانـی اندیشـه حکومـت جهانـی مهدویـت بـر پایـه خداپرسـتی، عدالت‌خواهـی و تعالی‌جویی انسـان و ظلم‌سـتیزی اسـتوار اسـت. «گفتمـان دکتریـن مهدویـت»[2] بـه دلیـل ابتنـا بـر نگـرش ارزشـی ـ الهی، پایه‌هـای اسـتقرار حکومـت جهانـی مهـدوی را در شـعاع جهانـی قـوام می‌بخشـد. از طرفـی، هویتـی کـه بـرای انسـان عصـر مهـدوی تعریـف می‌شـود، هویتـی فرامکانـی و فرازمانـی اسـت[3]. حکومـت مهدویـت بـه گسـترش فضایـل و ارزش‌هـای دینـی و محـو محرمات الهـی، اسـتقرار عدالـت، برابری و امنیـت و رفاه عمومی و نیـز تکامـل عقـول و علـوم خواهـد انجامیـد.[4] در این فرآینـد، بدعت‌هـای قدیـم، محـو و سـنت‌های جدیـد احیـا می‌شـوند. شـایان ذکر اسـت که مبنـای دکترین در پژوهـش حاضـر «نظریـه وجـوب حکومـت» اسـت کـه مبنـای فکـری آن بر پایـه نظرات بنیانگـذار انقلاب اسـلامی امـام خمینـی (ره) بـوده اسـت کـه در قالـب آینده پژوهـی شـهرهای ایرانی- اسـلامی و بسترسـازی بـرای ظهـور آن امـام عصـر در تمـدن ایـران موردنظـر بوده اسـت. لـذا در مقاله حاضر، ابتدا به پیشـینه نظری گفتمان مهدویت و دکترین آن پرداخته شـده و سـپس مفهـوم آینده پژوهـی و آرمانشـهر ایرانـی- اسـلامی و

۱.مؤید این گفتار، روایات فراوان و آیه ۱۰۵ سوره انبیاء: «أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّالِحُونَ» است. البته همه دکترین‌های موجود در زمینه حکومت واحد جهانی حضرت حجت و اینکه چنین حکومتی ایجاد خواهد شد، با استناد به آیاتی همچون آیه ۵ و ۶ سوره قصص: «ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم»، آن را بلاشک می‌دانند.

۲. دکترین در لغت هم معنی نظریه نام گرفته است. نظریه جامعه‌شناسی، متوجه مسائل مطرح در علم جامعه‌شناسی است، ولی نظریه اجتماعی، نظریه‌ای است که همه موارد علوم اجتماعی را دربرمی‌گیرد (برای اطلاع بیشتر از تفاوت میان نظریه اجتماعی و نظریه جامعه‌شناسی؛ نک: تقی آزاد ارمکی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۶).

۳. یکی از نشانه‌های این رابطه معنوی روزافزون به امام زمان را می‌توان شمار زائران مسجد جمکران دانست که تا پیش از انقلاب، مسجد جمکران حداکثر صد نفر زائر داشت، ولی امروزه پانزده میلیون نفر در سال است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ص ۷) یا با توجه به درصد کتاب‌ها و آثار منتشر شده درباره امام (عج) در پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن، می‌توان مدعی شد که امروزه توجه به عنصر انتظار و مهدویت در کشور ما، حال و هوای دیگری یافته و جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است.

۴. مبنای تشیع، ضرورت وجود حجت به‌عنوان واسطه فیض است، همان‌گونه‌که در زیارت امام حسین (ع) می‌خوانیم: «یگانه واسطه فیض به‌طور مطلق و فراگیر شما هستید... ارادهٔ الرّبّ فی مقادیر اُمورِهِ تهبطُ الیکم و تصدُرُ من بیوتکم» (نک: گفتمان مهدویت، ۱۳۷۷، ص ۳۶).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

شـهرهای امـن مطـرح گردیـده و نکاتی چنـد در رابطه با بسترسـازی ایجاد شـهرهای امن از دیدگاه اسـلام در بسـتر گفتمـان مهدویـت مـورد اشـاره قـرار می گیرد.

مواد و روشها

ایـن پژوهش «ماهیتی بنیـادی» دارد؛ لذا روش تحقیق پژوهـش حاضـر، «توصیفی و تحلیلی» اسـت که از ابزار گـرداوری داده: مطالعات کتابخانـه ای و مدارک موجود و رجـوع بـه تحقیقـات و مبانـی نظـری موجـود در این زمینـه بوده اسـت. در ضمـن از روش اسـنادی نیز برای یافتـن مولفه هـای موردنظـر در آرمانشـهر ایرانـی- اسـلامی و مفهـوم شـهرهای امن در گفتمـان مهدویت در قالـب دکترین هـای موجـود بعـد از انقلاب اسـلامی اسـتفاده شـده است.

پیشینه نظری

رشـد پژوهشـها و مواجهه پژوهشـگران مسلمان شیعی بـا دیدگاه های آخرالزمانـی اندیشـوران و نظریه‌پردازان غـرب، بـه پیدایـش پدیـده‌ای فکری بـه نـام «گفتمان مهدویـت» انجامیـد. در ادامـه بـه برخـی تحقیقات که در آنها موضوعاتی امروزی چون: «چیسـتی، خاسـتگاه، ضرورت‌هـا و راه‌کارهـای آرمانهشـر ایرانـی- اسـلامی» از یـک طـرف و از طـرف دیگـر، «دکتریـن مهدویـت؛ مهدویـت و جنـگ تمدن‌هـا؛ حکومـت جهانـی واحـد؛ رویارویـی جهان‌بینـی سـکولار با جهان‌بینـی توحیدی و غیـره» مطـرح می‌شـود، مـورد اشـاره قـرار می گیرد. شـایان ذکـر اسـت کـه هیـچ تحقیقـی کـه در رابطه با «جایـگاه آینده پژوهـی شـهرهای ایرانـی- اسـلامی و گفتمـان دکتریـن مهدویـت» باشـد، انجـام نشـده کـه تاکیـدی بـر التـزام انجـام پژوهـش حاضر می باشـد:

۱. «تامـس مُـور» تألیـف آرمانشـهر خـود را ملهـم از سـبک جمهـوری افلاطـون می‌دانسـت (دولتشـهر، پولیتئیـا، مشـهور بـه کالی پولیـس که بـه رس پوبلیکا یـا جمهـوری لاتینـی و فارسـی ترجمـه شـده اسـت). مدینـه فاضله فارابی نیز برداشـتی اسـلامی (شـیعی) از جمهـوری افلاطـون بود. میـان «فوزیسیسـم» یونانی و «اومانیسـم» رنسـانس، تئودیسـه یا «عدل الهـی ادیان توحیـدی ابراهیمـی» وسـاطت مـی کنـد. کمال جویی ابراهیـم یـک مسـیر فـرش شـده از پُرسشـگری اسـت و یقین یابـی او نـه ریشـه در صُـور ایدئـال و معقـولات مُفـارق دارد و نـه به عقل خودبنیاد و بسـنده به تنهایی وابسـته است.

۲. در تفکر غربی از روزگار افلاطون تا «آلدوس هکسلی جـورج ارول»، مدینـه فاضلـه یـا اتوپی، جزیـی از تفکر فلسـفی و صورتی از آن بوده اسـت (داوری، ۱۳۵۶، ص ۳۶-۳۷). بـه نظر افلاطون باید اسـاس اخلاقیاتِ حاکم، حکمـت، فضیلـت و رعایـت عدالـت باشـد، امـا معمولاً صاحبـان قدرتهـای مـادی لذت طلب می شـوند و قوّه قهـر و غلبـه آنهـا طالـب برتـری و سـتمگری اسـت، و بالاخـره جامـع رذایل اخلاقـی می شـوند و بدین جهت نمـی توانند حاکـم باشـند، بنابراین طبقـه حاکمه باید خویشـتن دار، عـادل، حکیـم و بافضیلـت باشـد؛ و این اسـت معنـی اِریسـتُکرات و یا اشـراف (فارابـی، ۱۳۵۸، ص ۳۶).

۳. علـی اصغـر رضوانـی در کتـاب خـود بـا عنـوان «دکتریـن مهدویـت، تنهـا راه نجات بشـر»، بـه ارزیابی و تحلیـل خـود از گفتمـان مهدویـت پرداخته اسـت. و زمینـه هـای تحقق ظهور منجی در آرمانشـهر اسـلامی را تبییـن کـرده اسـت (رضوانـی، ۱۳۸۹).

۴. محمّدحسـن قـدردان قراملکـی پژوهشـی دارد بـا عنـوان «دکتریـن مهدویـت و پلورالیسـم» کـه در آن درصـدد برآمده بـرای تحلیل نسـبت دکترین مهدویت بـا پلورالیسـم، پـس از تعریـف اصطلاحـات کلیـدی (پلورالیسـم دینـی، اجتماعـی و معرفتـی و دکتریـن) و تبییـن موضـوع بحـث، ناسـازگاری دکتریـن مهدویـت بـا پلورالیسـم دینـی را بـا برخی ادلـه (آیـات و روایات مهدویـت) اثبـات کنـد. از نظـر وی در تبییـن نسـبت پلورالیسـم اجتماعـی بـا دکتریـن مهدویـت دو دیدگاه متفـاوت گزارش می‌شـود: یکی دیدگاه ناسـازگارانه که معتقـد اسـت دکترین مهدویـت، پلورالیسـم دینی را بر نمی‌تابـد و از نظـر نویسـنده، دلیـل این دیـدگاه عمدتاً روایاتـی اسـت کـه بر وجـود دو گزینه بـرای اهل کتاب یعنـی اسـلام آوردن یـا جنـگ و قتـل دلالـت می‌کند. و نظـر دوم، دیـدگاه سـازگارانه اسـت کـه اعتقـاد دارد

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

دکتریـن مهدویـت، بردبـاری مذهبـی را بـر می‌تابـد. نگارنـده در تحلیـل و بررسـی دو دیـدگاه، می‌کوشـد دیـدگاه دوم را به دلیل بـه گفته وی موافقت و مطابقت آن بـا مبانـی قرآنـی و امکان تقیید اطـلاق روایات قتل؛ بـر دیـدگاه دیگر ترجیـح دهد. در اسـتدلال مزبـور، در صـورت تعـارض روایـات قتـل و جزیـه، اعتبـار هـر دو سـاقط و بـه اطـلاق و عموم ادلـه دیگر رجوع می‌شـود. آخریـن بحـث وی نیـز، در مـورد تبییـن ناسـازگاری دکتریـن مهدویـت بـا پلورالیسـم معرفتی اسـت.

۵. بهـروز محمّـدی منفـرد، در دو تحقیـق خـود بـا نام «از خدایی انسـان تا انسـان خدایی: بررسـی اومانیسـم و اندیشـه مهدویت» و «اگزیستانسیالیسم و مهدویت»، از مجموعـه آثـار دومیـن همایـش بین‌المللـی دکترین مهدویـت، یکـی از آموزه‌هـای مهـم شـیعه ـــ یعنـی اندیشـه مهدویـت ـــ بـا یکـی از مهم‌تریـن مکتب‌های انسان‌شناسـی معاصـر ـــ یعنـی اگزیستانسیالیسـم ـــ را مـورد ارزیابـی قـرار داده و تقابـل آنهـا بـا یکدیگـر را بررسـی کـرده اسـت. نویسـنده تـلاش کـرده تـا برخی مفاهیـم اساسـی مـورد اتفـاق تعـدادی از تأثیرگـذاران فیلسـوفان وجـودی هماننـد «کی‌یـر کگارد، راسـل، سـارتر و یاسـپرس» را بررسـی و در مـوارد ممکـن بـا اندیشـه مهدویـت مقایسـه کنـد. وی مسـئله ظهـور منجـیِ مصلـح را اندیشـه‌ای فـرا اسـلامی تلقـی کـرده کـه در تمامـی ادیـان الهی و حتی غیر آسـمانی ریشـه دارد؛ یعنـی به بـاور پیروان تمامی ادیـان، روزی منجی مصلحی ظهور خواهد کرد و با قیام در برابر سـتمگران، تمـام دنیـا را از عـدل و قسـط پـر می‌کند و آسـایش و رفـاه را بـرای همـگان بـه ارمغـان مـی‌آورد. بـه اذعـان نگارنـده، ایـن اندیشـه از جهـت ایـن کـه تحقق‌بخـش همـه اختیارات و امکانات بشـر برای رسـیدن به جامعه دلخـواه و آرمانـی اسـت، بـا تفکر وجـودی قرابـت دارد.

۶. مجتبـی عطـارزاده، به پژوهـش در گفتمان مهدویت از راه بررسـی «کارآمـدی گفتمـان مهدویـت در تأمین امنیـت جهانـی» پرداختـه و پژوهش خـود را در کتاب سـخنرانی‌ها و مقاله‌هـای گفتمـان نهـم مهدویـت، منتشـر کـرده است.سـیّداحمد رهنمایـی در کتـاب «حکومـت جهانی واحـد: رویارویی جهان‌بینی سـکولار بـا جهان‌بینـی توحیـدی»، مبانـی اندیشـه حکومـت واحـد جهانـی بـا تطبیـق و مقایسـه اندیشـه اسـلام و غـرب را هـدف گرفتـه و در فصل نخسـت کتابـش، دور نمایـی از ایـن اندیشـه وبرخـی فرضیه‌های اساسـی آن ارائـه کـرده و سـپس درصـدد برآمـده تـا مبانـی تفکـر غـرب و روایت‌هـا و قرائت‌هـای مختلـف تفکـر غربـی بـرای جهانـی شـدن را از طریـق ارزیابـی چهـار نظریه پایـان تاریخ، دهکـده جهانی، نظریـه برترین‌ها و نظریه برخـورد تمدن‌هـا در غـرب، بررسـی کنـد.

۷. محمّـد اخـوان در مطلبـی بـا عنـوان «مهدویـت و جنـگ تمدن‌هـا» بـه مقایسـه گفتمـان مهدویـت و نظریـه «برخـورد تمدن‌هـای هانتینگتـون» مبـادرت کـرده اسـت. وی ابتدا نظریـه جنگ تمدن‌هـا و تحلیل و ویژگی‌هـای آن را بیـان و سـپس نقـد و ارزیابی کرده و سـپس بـه طـور تفصیـل، آمـوزه شـیعی مهدویـت را معرفـی نمـوده اسـت. نویسـنده در بخـش دوم، ایـن تحلیل را شـکافته و جوانب آن را مشـخص نموده است. دفـاع از اصول‌گرایـی اسـلامی، نگاه فطری به انسـان، و دو قطبـی شـدن جهـان، از دیگـر مباحث کتاب اسـت. در پـی ایـن بررسـی‌ها، وی ادعـا مـی کنـد کـه نظریه جنـگ تمدن‌هـا ضعف‌هـای تئوریـک دارد.

۸. حمیدرضا اسـلامیه در نوشـتاری بـا عنوان «دکترین مهدویـت و پایان تاریـخ از منظر رنه گنون» در مقالات برگزیـده مجموعـه آثـار دومیـن همایـش بین‌المللـی دکتریـن مهدویـت، بـه طـرح گفتمـان مهدویـت و حکومـت امـام مهـدی (عـج) پرداخته اسـت.

۹. پیمـان بیگ‌محمّدی، آزاده قیامی و حدیث نادری در پژوهـش خود بـا عنـوان «دکترین مهدویت؛ چیسـتی، خاسـتگاه، ضرورت‌هـا و راه‌کارها» کـه در مجموعه آثار سـومین همایش بین‌المللـی دکترین مهدویت منتشـر شـده اسـت، درصـدد برآمده‌انـد تا بـا تبیین خاسـتگاه دکتریـن مهدویت در حوزه اندیشـه اسـلامی، به تحلیل و ارزیابـی موقعیـت و جایـگاه ایـن آمـوزه در جهـان معاصـر و بررسـی زمینه‌هـا و قابلیت‌هـای کاربـردی آن بپردازنـد. نویسـندگان پس از بررسـی مشـخصات نظام

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

فکری مهدوی و تفاوت آن با دکترین فکری غرب، به ابعاد عقلانی، دینی و تاریخی و فرهنگی مهدویت و نقش‌آفرینی آن در به سعادت رساندن بشر اشاره می‌کنند. آنها معتقدند با شناسایی قابلیت‌ها و استعدادهای درونی این دکترین می‌توان راهکارهای جاودانه‌سازی و جهانی‌سازی آن را فراهم ساخت.

۱۰. «بازار مهدویت در عصر غیبت تابع از گفتمان مدنیت در قانون طبیعت» تالیف محمّدجواد جاوید، پژوهشی است درباره نیازمندی بشر معاصر به راهنمای معنوی که او را از سردرگمی و اشتباهات فکری و غوطه‌ور شدن در اصطلاحات و تفسیرهای بی‌محتوا برهاند. نویسنده با مفروض برشمردن مسئله حیرانی بشر امروزی، به دنبال یافتن پاسخی به پرسش‌های او، به فرضیه‌ای پرداخته است با عنوان گفتمان پیامبری خاتمیت ندارد و در این فرضیه می‌خواهد مباحث مهدویت را نیاز معنوی بشر امروز بشمارد و لذا به گفتمان مهدویت در چهارچوب قوانین طبیعت می‌پردازد.

۱۱. «مهدویت و زبان دین» تالیف حسین الهی‌نژاد است که در آن به اثبات شناختاری بودن قرآن و روایات در جایگاه منابع مهدویت و هم‌چنین اثبات قابل شناخت بودن قضایای مهدویت با دلایل خاصّ و بیان عوامل شکل‌گیری زبان دین در غرب و نفی آن از ساحت اسلام و مهدویت پرداخته است. نویسنده با هدف دفع اتهام از بی‌معنایی و غیرشناختاری بودن گزاره‌های دینی و مهدویت و مفاهیم همسو با آن، مانند گزاره‌ها و قضایای کلامی ناظر به آینده‌نگری مهدویت، به مفهوم‌شناسی موعودگرایی، مهدویت، فلسفه دین، زبان دین، مکتب پوزیتیویسم، نماد و سمبلیک و تمثیل‌گرایی در متون دینی پرداخته و برخی رویکردها درباره زبان دین را بیان کرده است.

وی نقش باورهای مهدویت مانند امید و امیدواری، اصلاح و اصلاح‌گری را تأثیرگذار می‌داند و قرآن و روایات را از نظر عقلی قابل شناخت معرفی می‌کند.

۱۲. و نهایتا، «عقلانیت در دکترین مهدویت»، نوشته مریم معین‌الاسلام است که به ارائه تحلیلی از وضعیت عقلانیت و آسیب‌ها و نواقص آن و نیاز به آموزه‌های مهدوی در رفع آسیب‌های مزبور پرداخته است. نویسنده ابتدا تعریف و کارکردهای عقل را مورد بحث قرار داده؛ سپس در صدد تحلیل تاریخ عقلانیت و پیوند آن با عصر روشنگری و ظهور مدرنیته و محدوده‌ی عقل مدرن، تکامل تاریخی، و نظریه‌ی کفایت خرد جمعی برآمده است.

ادبیات و مبانی نظری

در ادامه به تعاریف مربوط به موضوع به اختصار پرداخته می‌شود.

۱. **«گفتمان»**: اصطلاح گفتمان، رویکردی ساختاری به متن است که امکان اتصال متن به جنبه‌های جامعه‌شناختی را فراهم می‌کند. این واژه که در سیر تکاملی خود به پیکره‌ای منسجم و معقول از گفتار و نوشتار نیز اطلاق شده، در زبان فارسی از ترکیب مصدر مرخم گفتن "گفت" و پسوند "مان" ساخته شده که درواقع با اضافه شدن پسوند "مان" به گفت، از یک سو "گفتن" از معنای عام و معمولی خود خارج و آماده پذیرش معنای خاص می‌شود و از سوی دیگر این ترکیب، خود به اسم ذات تبدیل می‌شود و با تبدیل شدن به اسم ذات به چیزی اطلاق می‌شود که تحقّق خارجی دارد[1].

۲. **«آینده‌پژوهی»**: مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با واکاوی منابع، الگوها، و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسّم آینده‌های بالقوّه و برنامه‌ریزی برای آنها می‌پردازد. آینده‌پژوهی بازتاب‌دهنده

۱. به لحاظ پیشینه، باید گفت که دهه ۱۹۵۰ عصر ظهور اصطلاح گفتمان در گستره علوم مختلف اجتماعی و انسانی بود. این مفهوم در کمتر از دو دهه حضوری مداوم و عمیق در اکثر رشته‌های علوم اجتماعی و ارتباطی یافت. تحلیل‌های جامعه‌شناختی از این مفهوم که ظاهراً برای اولین‌بار در مقاله «تحلیل گفتمان» نوشته «زلیک هریس» (۱۹۵۲) زبان‌شناس معروف فرانسوی به کار رفته بود، در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ وارد عرصه‌های زبان‌شناسی، نقد ادبی، روان‌کاوی، فلسفه، نظریه سیاسی، نظریه اجتماعی و نظریه فرهنگی شد. البته قابل ذکر است که گفتمان در معنای فنی، علمی و زبان‌شناسانه خود، اولین‌بار در اواسط دهه ۱۹۶۰ توسط اندیشمند معروف فرانسوی «امیل بنونیست» به‌کار گرفته شد و رواج یافت. از جمله افراد دیگری که در عرصه تعریف و تبیین این اصطلاح وجود دارند می‌توان به این موارد اشاره کرد: مایکل مان (۱۹۸۹) که با نگاهی جامعه‌شناختی به تعریف گفتمان پرداخته است، دایان مک دانل دانشمند علوم اجتماعی و زبان‌شناس معروف، میشل فوکو (۱۹۷۲)، مایکل استابز (۱۹۸۳)، ولنتین ولوشینف زبان‌شناس معروف روسی، ارنستو لاکلاو و شانتال موفی از متفکران پساساختارگرای ساکن در انگلستان و تئون ای. ون‌دایک (۱۹۴۳).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

چگونگی زایش واقعیّت «فردا» از دل تغییر (یا ثبات) «امروز»، است. آینده‌پژوهی برابر عبارت لاتین «Futures Study» است. واژه جمع Futures به این دلیل استفاده شده‌است که با بهره‌گیری از طیف وسیعی از روشها و بجای تصوّر «تنها یک آینده»، به گمانه‌زنی‌های نظام‌مند و خردورزانه، در مورد نه تنها «یک آینده» بلکه «چندین آینده متصوّر» مبادرت می‌شود. موضوعات آینده‌پژوهی دربرگیرنده گونه‌های «ممکن»، «محتمل» و «دلخواه» برای دگرگونی از حال به آینده هستند (برایسون ریچارد، ۱۳۹۱).

۳. «**نظریه آرمانشهری**»: نظریه آرمانشهر مبتنی بر پندار خوش‌بینانه نسبت به امکان ایجاد شهرهایی است که از هر نظر، نظام-یافته و زیر نظارت دقیق دولت یا سازمانهای ویژه دینی یا سیاسی و حقوقی قرار داشته باشد و یا بوسیله فلاسفه، حکما یا ایدئولوگ ها اداره شود. لوکوربوزیه صاحب نظریه در این زمینه است که در کتاب «پیشگامان طراحی» نوین آمده است. آغاز شهرهای آرمانی مدرن را از انگلستان دانسته‌اند (سیف الدینی، ۱۳۸۱، ص ۴۸۰).

۴. «**آرمانِ آرمانشهری**»: رشته مهمی در توسعه برنامه‌ریزی و معماری و مبتنی بر آرمانهای اصلاح‌طلبان آرمانشهری انگلستان، آمریکا و فرانسه مانند «رابرت اوئن»[1]، «ایتئن کابه»[2]، «شارل فوریه»[3] است. هر یک تلاش داشتند تجربه‌های اجتماعی ویژه‌ای را به اجرا گذارند که در آنها، آرایش فیزیکی ساختمان بتواند معایب آشکار شهر صنعتی را اصلاح کند و به انسان امکان دهد بصورت موجودی خردمند و به کمال رسیده، شکوفا شود.

۵. «**دکترین**»: در تعریف دکترین گفته شده است که این مفهوم از واژه لاتینی «Doctrina» گرفته شده است و با سه تعریف ۱. نوعی از جهان‌بینی؛ ۲. مجموعه‌ای از نظام‌های فکری؛ ۳. اصولی برای خط‌مشی دولت‌ها، مترادف است. از این رو، در تعریف آن گفته شده است که دکترین، نوعی از جهان‌بینی است که برنامه‌های سیاسی بر اساس آن، پایه و بنیاد گرفته باشد یا مجموعه‌ای از نظام‌های فکری است که بر پایه اصول معینی مبتنی باشد. همچنین به تنظیم اصولی که بر طبق آن، دولت‌ها مشی خود را به‌ویژه در روابط بین‌المللی تعیین می‌کنند، اطلاق می‌گردد (علی‌بابایی و آقایی، ۱۳۶۵، ص ۲۷۰).

۶. «**ترمینولوژی دکترین**»: با کنکاش و بررسی درباره واژه و مفهوم دکترین در ترمینولوژی و فرهنگ اصطلاحات سیاسی، می‌توان گفت این واژه در ادبیات علوم سیاسی و اجتماعی متداول است و در معنای سوم، کاربرد بیشتری دارد؛ مانند دکترین برژنف[4]، دکترین مونرو[5]، دکترین فرانک سیناترا[6]، دکترین ضرورت نظامی، دکترین اطاعت کورکورانه، دکترین یک لیوان آب[7] که همه این دکترین‌ها شامل مطالب زیر هستند: اینکه در چه زمانی و چرا یا به چه سببی چنین دکترینی صادر شده است؟ چه اصولی را دربرمی‌گیرد؟ اینکه خاصیت دکترین این است که باید به آن عمل شود،[8] آن هم در یک برهه‌ای از زندگی و حیات سیاسی.

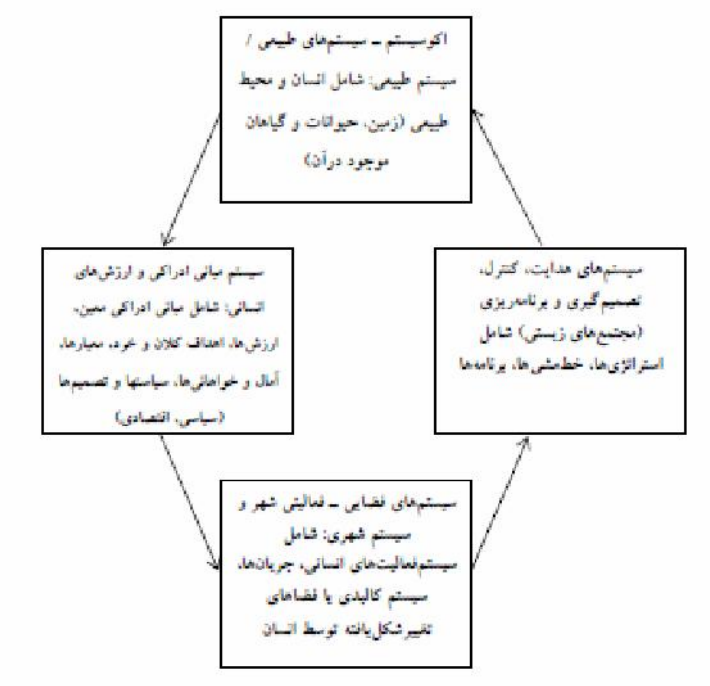
آرمانشهر ایرانی- اسلامی

اشتیاق بشر برای دانستن درباره آینده از عهد باستان وجود داشته‌است. پیشگویان و کاهن‌ها نمونه‌هایی از کسانی هستند که در گذشته تلاش داشتند، به نحوی به این اشتیاق در نزد خاص و عام پاسخ دهند. نخستین نشانه‌های جدی‌تر توجه بشر به آینده در عصر روشنگری دیده می‌شود، دورانی که

1. Rober owen
2. Etienne cabet
3. Charles Fourier
4. Brezhnev Doctrina
5. Doctrine monaroe
6. Frank Sinatra Doctrine
7. One Glass of Water Doctrine

۱.برای مثال، دکترین مونرو بر اساس دو اصل: ۱. تشکیل مستعمرات جدید؛ ۲. ممنوع بودن دخالت سیاسی دولت‌های اروپایی در قاره امریکا پایه‌گذاری شد و دلیل طرح این دکترین هم دو مسئله بوده است: ۱. دولت روسیه از کشتی‌های غیر روسی در شمال غربی امریکای شمالی جلوگیری کرد؛ ۲. به دلیل ترس از اتحاد مقدس دولت‌های اروپایی با اینکه این دکترین هرگز از سوی حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته نشد، ولی امریکا به این دکترین در برهه‌ای خاص عمل کرد. (نک: غلامرضا علی بابایی و دکتر بهمن آقایی، ۱۳۶۵، ص ۱۵۶).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



نمودار ۱. ویژگیهای سیستمی و وضعیت آرمانشهری؛ ماخذ: نگارنده.

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

بشـر بـاور داشـت کـه علوم بـرای هـر چیـزی راه حلی خواهنـد یافـت. قوانیـن نیوتـن در مورد حرکـت، درک و تحلیـل بسـیاری ازپدیده‌هـا را ممکـن سـاخته بـود. در اثـر رشـد شـتابان علـوم در ایـن دوره، اندیشـمندان عصـر روشـنگری واقعاً به ایـن نتیجه رسـیده بودند که تنهـا زمـان می‌خواهـد تـا همه قوانیـن و قواعـد جامعه و محیط پیرامون بشـر معلوم و آشـکار شـود. در همین دوران، بـر خـلاف گذشـته کـه بیشـتر اندیشـمندان، افق‌هـای کامـلاً روشـنی از آینـده (آرمانشـهر)، تصویـر می‌کردنـد، تجسـم‌های تیره‌تـری از آینـده نیـز موجودیـت یافـت. آثـار اندیشـمندانی چـون «اچ. جـی ول»[1]، «جـورج اورول»[2] و «آلـدوس هاکسـلی»[3] از زمره چنیـن اندیشـه‌هایی محسـوب می‌شـود و بـا چنیـن نمونه‌هایـی اسـت کـه کلاً آینـده پژوهی راه خـود را به ادبیـات بـاز می‌کنـد. کامیابـی خیره کننـده رمان‌هـای «ژول ورن»[4] و پا گرفتن سبک علمی تخیلی در ادبیات، در ادامـه همیـن راه رخ می‌دهـد. در تلاش های انسـان بـرای رازگشـایی از آینده و کشـف آینده هـا می توانیم چنـد دوره را بررسـی کنیـم. یکـی از دوره هـا یـا چهار گونـه آینده پژوهـی را کـه بر این اسـاس تقسـیم بندی مـی کننـد، دوران ستاره شناسـی اسـت. در ایـن دوران اعتقـاد بـر این بـود که جهان مـادی دارای یـک الگوی نگاشـت یافتـه و نظـام مندی اسـت که ارتبـاط وثیق و معنـاداری بـا حرکت افـلاک، کواکب و ثوابـت. در واقع، نوعـی سـامانه هشـدار بـود که تلاشـش بـر این بـود تا بـه گونـه ای یـک سـامانه هشـدار فراهم کند کـه مثلاً قمـر در عقـرب اسـت و نبایـد ایـن کار را انجـام دهیم؛ یـا مثلاً سـعد بودن و نحـس بودن ایـام و روزگار مطرح بـود. دوره بعدی را دوره پیشـگویی مـی دانند. این دوره یـا ایـن نـوع از آینده پژوهـی، مبتنـی بر این فـرض بود کـه برخـی از افراد یا اندیشـه ها بـه لایه-های عمیق تر و سـطوح زیرین ذهن افراد دسترسـی دارنـد و به نوعی مـی تواننـد برخی از حـوادث را پیشـگویی کنند؛ همان چیـزی که مـا در آینده شناسـی از آن صحبـت کردیم

1. H.G.Well
2. George Orwell
3.Aldous Huxley
4. Jules Verne

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

(گـروه مطالعات آینـده نگـر، ۱۳۹۱، ص ۱۲).

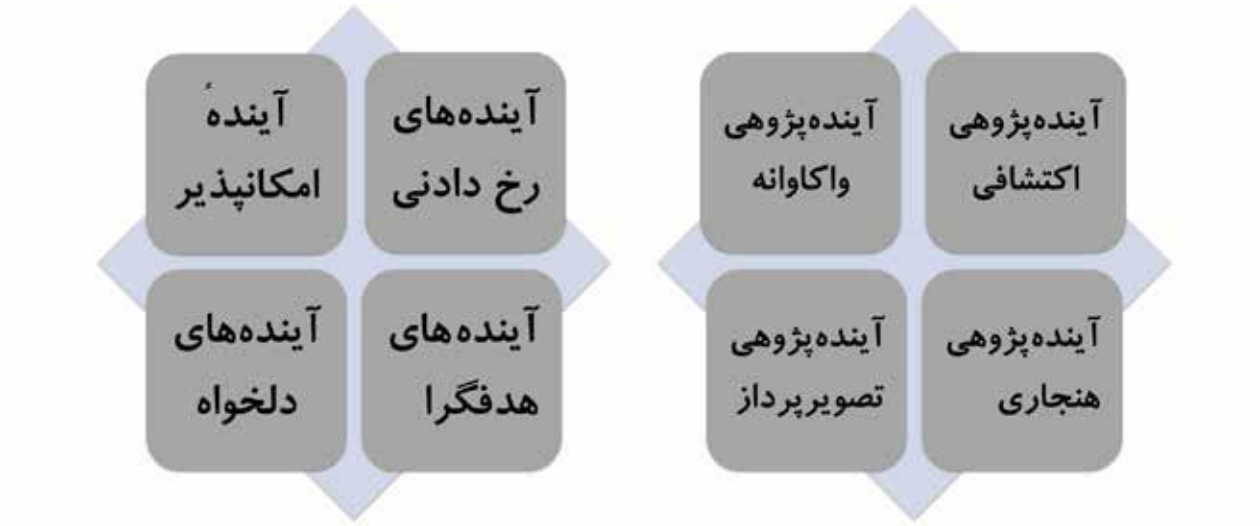
آینده پژوهی

در «آینده پژوهـی» همـواره صحبـت از آینده‌هـا اسـت. آینده‌پژوهـان معتقدنـد چندیـن آینده متفـاوت می‌تواند شـکل بگیـرد. هـر فـرد، سـازمان و کشـوری می‌توانـد آینـده خـود را طراحـی و معمـاری نمایـد. آینده‌هـای ترسـیم شـده از عـدم قطعیـت برخوردارنـد و هیـچ‌گاه نمی‌تـوان انتظـار داشـت کـه بـه طـور کامـل محقـق گردنـد. امـا غیب‌گویـان معتقدنـد فقـط یـک «آینـده محتـوم» وجـود دارد و امـکان تغییـر ارادی و یـا غیـرارادی در ایـن آینـده قطعی وجود نـدارد. همچنین آینده پژوهـی بـه دنبـال یـک برخـورد فاعلانه بـا آینده اسـت[1]. در توصیفـی عمومـی آینده پژوهـی مـی تواند روش علمـی و تجربـی بـرای درک و فهـم آینده باشـد. در خـلال سـال های زایـش و بالندگـی آینده پژوهـی، همـواره مجادلـه و گفتمانهایـی بر سـر گزینش بهترین نـام و عنـوان بـرای ایـن حـوزه از پژوهـش در جریـان بـوده اسـت. دشـواریابی نامـی کامـل بـرای ایـن حوزه، برخاسـته از ایـن واقعیـت اسـت کـه مطالعـه آینـده همچنـان مسـیر دانشـگاهی متمایـزی بـرای مطالعه و پژوهـش بـوده اسـت (خزایـی و محمـودزاده، ۱۳۹۲، ص ۲۸). در واقـع در آینده پژوهـی، همـواره سـخن از آینده هـا اسـت و آینـده پژوهـان بـاور دارنـد کـه فـرا روی هـر فـرد، سـازمان و یـا جامعـه‌ای، آینده هایـی متفـاوت وجـود دارد و آینـده مطلـوب را بایـد طراحـی و معمـاری کـرد. آینده پژوهـان به دنبال کشـف، ابداع، ارایـه، آزمـون و ارزیابـی آینده هـای ممکـن، محتمل و مطلـوب هسـتند. آنـان انتخابهـای مختلفـی راجـع به آینـده فـراروی انسـانها قـرار میدهنـد و در انتخـاب و پی ریـزی مطلـوب ترین آینـده به آنان کمـک میکنند. طبـق تعریـف، آینده‌نـگاری فراینـدی اسـت مبتنـی بر گفتمان‌هـای اجتماعـی معطـوف بـه آینـده، بـا حضور گروه‌هـای کثیـری از خبـرگان رشـته‌های مختلـف و نماینـدگان همـه ذی‌نفعـان یـک موضوع و بـه منظور خلـق چشـم‌اندازهای همـه جانبه و بلندمـدت از آینده، نتایـج آینده‌نـگاری مبنـای برنامه‌ریـزی اسـتراتژیک را تشـکیل می‌دهنـد، در آینده‌نـگاری مشـارکت گسـترده‌ی افـراد و سـازمان‌ها در فراینـد انجـام آن، عـلاوه بـر آن کـه موجـب می‌شـود آینـده از منظرهای گوناگـون اجتماعـی، اقتصادی، فرهنگی بررسـی شـده و راه کارهـای معمـاری آینـده ارائـه می‌شـود، انگیـزه و باور عمومی را برای شـکل بخشـیدن بـه آینده مطلوب را در سـطح وسـیعی ایجـاد می‌کنـد. معرفت‌شناسـی آینده‌پژوهـی، در حقیقـت، نظریـه‌ای معرفتـی در بـاب دعـاوی راسـتینِ مربـوط به گذشـته و حال، و بـه ویژه گزاره‌هـای صدق‌گونه‌ای اسـت که آینده‌پژوهـان دربارۀ آینـده مطـرح می‌کننـد. آیـا مجـادلات اخیـر در حوزۀ فلسـفۀ علـم معمـاری و شهرسـازی کـه پرسـش‌هایی جـدی دربـارۀ تلقی اسـتاندارد ـ یا به تعبیر مـا، دیدگاه مقبـول در مطالعـات شـهری یـا رویکردهـای نظـری معمـاری و شهرسـازی ـ مطـرح سـاختند، تأثیـری بـر آینده‌پژوهـی داشـته‌اند؟

۱. **«آینـده»**: یکـی از پیـش فرض‌هـای آینده‌پژوهـی اذعـان به وجـود گزینه‌های متعدّد آینده اسـت: «آینده امکانپذیـر»: هـر چیـزی اعـم از خوب یا بـد، محتمل یا بعیـد، می‌توانـد در آینـده رخ دهـد. «آینده‌هـای رخ دادنـی یـا محتمـل»: آنچه بـه احتمال بسـیار زیـاد در آینـده بـه وقـوع خواهـد پیوسـت (مبتنـی بر اسـتمرار روندهـای کنونـی در آینـده). «آینده‌هـای دلخـواه»: آنچـه بهینـه تریـن و دلخـواه تریـن رویـداد آینـده بـه شـمار مـی‌رود. «هـدف»: محتمـل سـاختن آینده‌های دلخـواه یـا ترجیح داده شـده اسـت. بدین منظـور باید ازآنچـه کـه می‌خواهیـم بیافرینیـم تصویـری روشـن و شـفاف در ذهن داشـته باشـیم (بـه ویـژه از ارزش‌هایی

۱. «آینده شناسی» یعنی از یک آینده تغییرناپذیر صحبت کردن و یک آینده را پیش بینی کردن. آینده‌اندیشی دالانی است برای رسیدن به آینده پژوهی. این همان دانشی است که موضوع بحث ماست و از آن صحبت می کنیم؛ گاه از آن جهت که در تفکرها و در فرهنگ های مختلف، روایت جدیدی از آینده پژوهی داریم .در ژاپن میزا، در روسیه پراگنوزیا، در فرانسه پرسپکتیو، در اروپای غربی فورسایت و در سنت آمریکایی فیوچرز استادیس؛ اما همه اینها در واقع به معنا و مفهوم آینده پژوهی است (گروه مطالعات آینده نگر، ۱۳۹۱، ص ۷). آینده پژوهی شاخه‌ای از علوم انسانی که با ویژگی های انسانی جامعه سرو کار دارد، از این رو، به مبانی نظری و فلسفی رایج در جامعه بستگی مستقیم دارد. بر این قیاس، آینده پژوهی دانشی ارزش بنیان است و به همین سبب ارتباطی تنگاتنگ و ناگسستنی با جهان بینی، ایدئولوژی و فرهنگ ملت ها دارد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



نمودار ۲. انواع آینده و انواع آینده پژوهی؛ ماخذ: ترسیم نگارنده.

که می‌خواهیم بر جوامع آینده حاکم باشند). توجّه به آینده‌های ممکنی است که علی‌رغم تردید در رخ دادنشان، تحقق برخی از آنها اثر بزرگی بر زندگی مردم می‌گذارد.

۲. «**پژوهش در آینده**»: بر اساس موازین علمی و خردورزی، مردم از هم‌اکنون باید بدانند که آینده ممکن است آبستن چه پیشامدهایی باشد؛ کدام پیشامدها احتمال وقوع بیشتری دارند؛ و در میان آن‌ها کدام‌یک از مطلوبیت بیشتری برخوردار است. بر همین بنیان، سه رویکرد به مطالعه آینده وجود دارد (به نقل از ویکی پیدیای فارسی): «آینده‌پژوهی واکاوانه یا تحلیلی»، که گاه «آینده‌پژوهی اکتشافی» نیز نامیده می‌شود؛ «آینده‌پژوهی تصویرپرداز»؛ و «آینده‌پژوهی هنجاری»، که گاه «آینده‌پژوهی مشارکتی» نیز نامیده می‌شود.

۳. «**سطوح آینده‌پژوهی**»: از آنجا که آینده‌پژوهی یک دانش بین رشته‌ای است و کاربردهای فراوانی در حوزه‌های مختلف دارد، بسته به موضوع مورد مطالعه، روش مطالعاتی و ارزش‌های آینده پژوه، دارای سطوح متفاوتی است، ریچارد اسلاتر این سطوح را چنین تقسیم‌بندی کرده است: «۱. «آینده‌پژوهی عامه‌پسند»: این شیوه مبتنی بر مفروضات حاکم بر روابط اجتماعی است. آینده‌پژوهی عامه‌پسند، ابتدایی و ساده است و به گونه‌ای ناخودآگاه از وضعیت موجود دفاع می‌کند و معتقد است آینده با علم و فناوری بنا نهاده می‌شود. این روش محافظه کار بوده و در عین حال بیش از حد مبتنی بر فناوری است و اغلب فاقد مفروضات لحاظ شده است؛ ۲. «آینده‌پژوهی مسئله محور»: این روش اخیر تلاش دارد با شناسایی و تعریف مشکلات و موانع، برای آنها راه‌حل‌هایی، هرچند ظاهری و غیرمتقن ارائه نماید؛ ۳. «آینده‌پژوهی انتقادی»: این روش اهتمام ویژه‌ای به تحلیل فرضیه‌ها، تصورات و پارادایم‌ها دارد. در روش انتقادی پس از مطالعه و بررسی بر روی محورهای یاد شده، تأثیر سوگیری‌های مختلف فرهنگی و سنت‌های تحقیق بر کار پژوهش آینده، مورد توجه قرار می‌گیرد؛ ۴. «آینده‌پژوهی معرفت شناسانه»: این روش می‌کوشد تا ثابت کنید که مشکلات وگرفتاری‌های ما ریشه در نگرش ما به جهان و راههای شناختی ما داشته و راه‌حل‌ها نیز از دگرگونی‌های نهفته و غیرقابل پیش‌بینی در این سطح ناشی می‌شود.

فرایند آینده نگاری

فرایند انجام هر برنامه آینده نگاری شامل چهار فاز است:

۱. «**فاز یک**»: تعیین چارچوب و الگوی مفهومی؛

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



تصویر ۱ (سمت راست). باغ عدن اثر هیرونیموس بوش؛ ماخذ: ویکیپدیای فارسی، زمان اخذ: ۱۳۹۳/۴/۱۱

هدف این فاز سازمان‌دهی و استقرار پایه‌های برنامه است. این مرحله که شامل تعیین هدف، روش شناسی و انتخاب کارشناسان برنامه آینده‌نگاری است.

۲. «**فاز دو**»: تعیین پارامترهای کلیدی؛ با استفاده از گروه‌های متنوع کارشناسان و اطلاعات جمع‌آوری



تصویر ۲ (سمت چپ). تصوری از اتوپیا اثر تامس مور؛ ماخذ: ویکیپدیای فارسی، تاریخ اخذ: ۱۳۹۳/۳/۳.

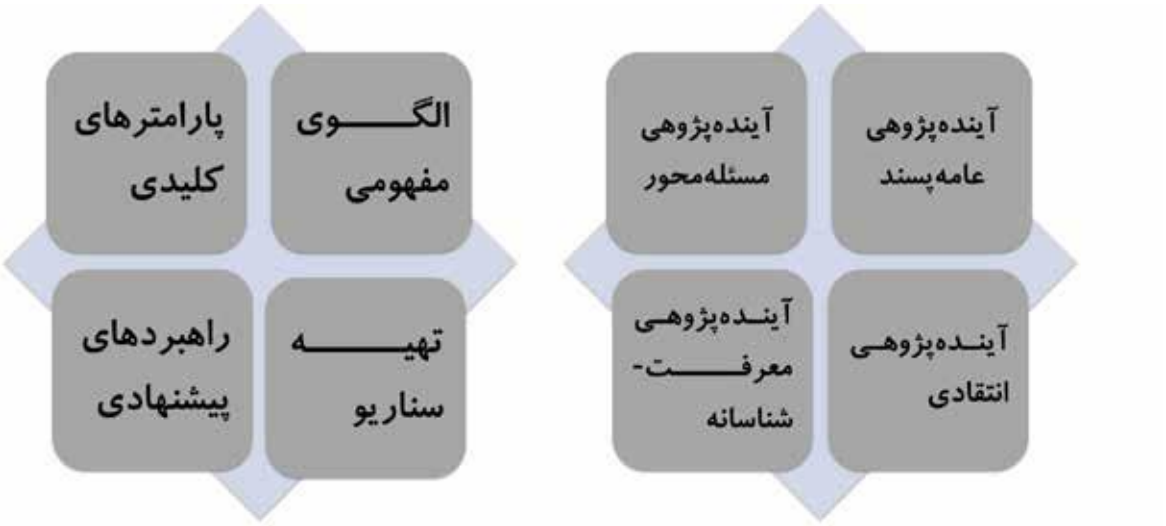
شده، متغیرهای کلیدی برنامه مشخص می‌شوند. این فاز نیز خود شامل دو گام شناسایی و انتخاب گزینه می باشد: «شناسایی»: شناسایی کارشناسان، دست‌اندرکاران و افراد تاثیرگذار در فرایند و شناسایی مؤلفه‌های مربوط و زیربخش های موردنظر؛ درک و تبیین رسالت برنامه و «انتخاب»: دسته بندی افراد مرتبط با برنامه، انتخاب کارشناسان، ایجاد چارچوب مفهومی کلی که یک مدل مرجع برای فهم سیستم و پایه ای برای تصمیم گیری است.

۳.«**فاز سه**»: تهیه سناریو؛ در این فاز برهم‌کنش بین متغیرهای کلیدی تحلیل می‌شود و از این طریق تعدادی سناریو طراحی می‌شود.

۴.«**فاز چهار**»: اشاعه نتایج و تدوین راهبردهای پیشنهادی؛ اشاعه نتایج و تدوین راهبردهای پیشنهادی اهمیت برابری دارند که بر حسب نوع و اهداف برنامه آینده‌نگاری تغییر می‌کنند.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



نمودار ۳ (سمت راست). سطوح آینده پژوهی و (سمت چپ). فرآیند آینده نگاری؛ ماخذ: ترسیم نگارنده.

گفتمان آینده پژوهی و آینده معماری شهری

آینده امری است که انسان می تواند آن را با اقدامات هدفمند خود طراحی کرده و شکل دهد. آدمی برای آنکه عاقلانه عمل کند، بایستی نسبت به پیامدهای اقدامات خود، دیگران و واکنشهای آنان و همچنین نسبت به نیروهایی که خارج از کنترل اوست، آگاهی و شناخت کافی داشته باشد. که این پیامدها تنها در آینده خود را نشان می دهند. بنابراین به منظور مطالعه این موضوعات، رشته جدیدی پدید آمد که هدفش مطالعه منظم و نظامدار آینده است؛ این رشته به نامهای مختلفی همچون «مطالعات آینده، قلمرو آینده، تحقیقات درباره آینده، آینده پژوهی، و یا آینده نگری» نامیده می شود و متخصصان آن نیز آینده پژوه نامیده میشوند. امروزه تغییرات با آهنگی پرشتاب تر رخ می‌دهند. تغییرات فناوری و به دنبال آن تغییر در دیگر جنبه‌های زندگی، افزایش روزافزون وابستگی متقابل کشورها و ملل، تمرکززدایی جوامع و نهادهای موجود که به دلیل گسترش فناوری اطلاعات، شتاب بیشتری یافته‌است، تمایل روزافزون به جهانی‌شدن به همراه حفظ ویژگی‌های ملی، قومی و فرهنگی و بسیاری عوامل دیگر، لزوم درک بهتر از "تغییرات" و "آینده" را برای دولت‌ها، کسب وکارها، سازمان‌ها و مردم ایجاب می‌کند. آینده اساساً دارای عدم قطعیّت است. با این همه آثار و رگه‌هایی از اطلاعات و واقعیت‌ها که ریشه در گذشته و اکنون دارند، می‌توانند رهنمون ما به آینده باشند. در «جمهوریت» افلاطون نگرش به جامعه آینده بر اساس عدالت شکل گرفته است. خداشهر، سنت آگوستین، جامعه ای است که بر محبت و عشق بنیان نهاده شده در تقابلی آشکار با انسان شهر قرار دارد که بر پایه غرور و خودخواهی بنا شده است. سنت آگوستین معتقد است: خداشهر آرمانی او را می توان به شیوه ای واقعی و از راه ایجاد تغییر در ساختار انسان شهر پی ریزی کرد. ما همچنین می توانیم به «آتلانتیس نوین» فرانسیس بیکن نظری بیندازیم. این آرمان شهر، جامعه ای بر مبنای گسترش انسانی را طراحی می کند. در «آرمان شهر» توماس مور نیز مالکیت اشتراکی اموال و سرمایه ها در کانون توجه و نظریه پردازی قرار دارد و انسان بخشی از این جامعه ی آرمانی به شمار می رود. آینده پژوهی فراتر از پیش‌بینی است و ادعای پیش‌گویی هم ندارد. آینده‌پژوهی هنر شکل دادن به آینده است، به آن شکل که آینده را می‌خواهیم. کسانی که این دانش را در دست دارند هم‌اکنون هم به آینده جهان به دلخواه خواسته خود، شکل می‌دهند. می‌توان کشورها و جوامعی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

را دیـد که نتوانسـتند خـود را با تحوّلات سـازگار کنند و از ایـن جهـت از هـم فروپاشـیدند. آنهـا ذات تغییـر را درسـت نشـناختند. آینده‌شناسـی از ایـن منظـر دانـش شـناخت تغییـرات اسـت. شـناخت آینـده از حیاتی‌تریـن علـوم مـورد نیاز هر انسـانی اسـت. از نظر برخـی نویسـندگان ماننـد مارین ۱۹۸۷، آینـده پژوهی چنـان از هم گسـیخته اسـت که نمی تـوان آن را حوزه ای یکپارچـه بـه شـمار آورد. بـی تردیـد آینـده پژوهی گسـتره وسـیعی از موضـوع هـا را در بـر می گیـرد. هر پدیـده‌ای، احتمـالاً آینـده‌ای دارد و بـه همیـن دلیـل ایـن احتمـال نیـز وجـود دارد کـه مـا از آینـده تمامی پدیـده هـا را کنـدوکاو کنیـم، از موچه خـوار و خانواده و سیاسـت تـا فیزیک، گیتـی، و مخمرشناسـی، همگی مـی تواننـد موضوعـی بـرای آینـده پژوهـی باشـند، افـزون بـر این، کارشناسـان مورچـه خـواران، خانواده و سیاسـت، صلاحیـت اظهار نظر دربـاره آن هـا را دارند، نـه آینـده پژوهان. با ایـن همه، برای تـلاش یکپارچه و کل گرایانـه ی آینـده پژوهان نیز جایگاهـی وجود دارد. ایـن جایـگاه گرچـه مبتنـی بر دانـش تخصصی اسـت امـا اغلـب، آینده پژوهـی را در جایگاهی فراتـر از دانش تخصصـی قـرار می‌دهـد. کارشناسـان، گاه از درک چگونگـی تاثیـر رویدادهـا، فرایندهـا و اقدام های خارج از حـوزه تخصصـی خـود و پدیده هـای مـورد مطالعـه، ناتـوان هسـتند. افـزون بـر ایـن، حوزه هـای مطالعاتـی دیگـری کـه توانسـته‌اند تـا انـدازه‌ای انسـجام فکـری خـود را حفـظ کننـد، تفـاوت چندانـی بـا آینده پژوهی ندارنـد. ادامـه «تصمیـم گیـری صرفـاً چندیـن آینـده محتمـل بـر اسـاس تجـارب گذشـته»، غفلـت از رصد تغییـرات آتـی را در پـی خواهـد داشـت و بـا تلخکامی روبـرو خواهد شـد. عدم قطعیـت نهفته در آینـده برای برخـی، توجیـه کننـده نداشـتن دور اندیشـی آنـان و بـرای عدّه‌ای دیگر منبعـی گرانبها از فرصت‌هاسـت. به طـور ویژه مطالعه در گذشـته نزدیک و حتـی امروز در حـوزه رویکردهایـی که با مفاهیم فلسـفی غرب به ویژه دیدگاه هـای «جـان لاک»، «جـی دابلیـو لایبنیتـس»، «فردریـک هـگل»، «امانوئـل کانـت» مرتبط هسـتند.

رویکـرد نخسـت از نیـاز بـه تغییـر شـتابان و آگاهی از مقصـد جهـان ناشـی مـی شـود. ایـن رویکـرد شـامل داده هایـی از گذشـته و حـال اسـت که راهی به سـوی آینـده هـای متحمـل را بـه تصویـر می کشـد و کمک می کنـد کـه تشـخیص دهیـم اندیشـه شـکل گرفتـه اسـت کـه چیـزی در حـال تغییـر اسـت. ایـن رویکـرد شـناخت آینـده کـه مبتنـی بـر اسـتنباط و سـنگین سـاختن کاربـرد شـاخص هـای اجتماعـی و فرهنگـی اسـت، به گونه ای گسـترده از پایان جنـگ جهانی دوم تـا اواخـر دهـه ۱۹۶۰ مـورد بهره بـرداری قـرار گرفتـه اسـت و اکنـون دوباره به عنـوان رویکرد بـه میزان قابل توجهـی از «فلسـفه جان لاک» سرچشـمه می گیرد و بـر داده هـای تجربـی تکیـه دارد. آینده پژوهی دانشـی اسـت کـه بـر دورنماهـا و پیـش انگاشـت های ویژه‌ای اسـتوار اسـت کـه با کمک آن هـا به تفکـر نظام یافته او صریـح پیرامون آینـده می پردازد. در ایـن دانش نظریه هـا، روش هـا و ارزش هایـی وجود دارد که با شناسـایی آینده هـای بدیل و تعییـن آینده هـای ممکن، محتمل و مرجـح، آینده فراهم سـاخته تا کنترل بـر آن افزایش یابـد. بـه بیانـی روشـن تر، آینده پژوهـی بـرای مطالعه آینـده و تحقـق اهـداف کلیدی خـود، در پی آن اسـت کـه انتظـارات از آینـده را شناسـایی کـرده و کمـک کنـد کـه تمامـی تـوان و ظرفیـت عوامل شـکل دهنده آینـده در راسـتای تحقـق مطلوب تریـن بدیـل آینـده، جهت دهـی شـوند.

روشهای آینده پژوهی در مطالعات شهری

لذا روشهای معمول و مراحل آن عبارتند از:

۱. **«چشم اندازسـازی»**[1]: چشـم اندازسـازی، تجسـم و ایجـاد تصویـری غنـی و البتـه نـه چنـدان دقیـق از آینـده اسـت. چشـم انـداز بـر خلاف سـناریو کـه رد پا از اکنـون بـه آینده مشـهود اسـت، بیشـتر شـبیه پرش بـه آینـده اسـت و لزومـاً نمی‌تـوان نحوه تدوین چشـم انـداز را دیـد. به همیـن دلیل اخذ تاییـد ذینفعان برای شـروع کار صرفـاً بـر اسـاس چشـم انداز، کاری مشـکل اسـت. بـرای مثمرثمـر بودن، چشـم انـداز بایـد مقرون بـه واقعیـات و بـه دور از خیال پـردازی باشـد.

1.Visioning

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

۲.«**دیده بانی آینده**»[1]: دیده بانی در معنای عام عبارت است از زیرنظر داشتن یک زمینه خاص با هدف شناسایی چالش ها و فرصت‌های آتی موجود در آن زمینه. دیده بانی افزون بر آینده، برای موضوعاتی که در مجاورت زمانی با پندارش های (پارادایمهای) کنونی می‌باشند، نیز انجام می‌شود. دیده بانی بویژه برای شناسایی اولیه حوزه‌های کلیدی جهت انجام ژرف کاوی بعدی و سناریوسازی یا تهیه نقشه راه برای آن‌ها بسیار رویکرد سودمندی است.

۳.«**نقشه راه**»[2]: نقشه راه، گام‌هایی را که باید برای نیل به یک هدف برداشت، تعیین می کند. طیف وسیعی از انواع نقشه راه وجود دارد. نقشه راه به گمانه زنی درکشف محصولات مختلف ممکن در آینده کمک می‌کند و در عین حال بخش‌های کلیدی از علوم مختلف که برای ایجاد این محصولات لازم است، را نیز مشخص می کند.

۴. «**پس نگری**»[3]: پس نگری با تصور آینده مطلوب شروع می‌شود و سپس با تعیین قدم‌های لازم برای افزایش شانس رسیدن به آن آینده ادامه می‌یابد. این رویکرد تنها زمانی عملی است که اهداف آینده به روشنی و به دور از هرگونه ابهام تعیین شده باشند.

۵.«**مدل سازی**»[4]: کاربرد این روش در بررسی آینده یک سیستم و نیز جایی که درکی از عوامل موثر بر تغییرات سیستم در طول زمان، وجود دارد، می‌باشد. این روش ابزار ارزشمندی جهت بررسی یک موضوع پیچیده می‌باشد و در آن بررسی‌ها بیشتر بر پایه ادراکات افراد صورت می‌گیرد تا شواهد.

۶.«**شبیه سازی**»[5]: در این رویکرد مثل بازیهای کامپیوتری، از متولیان موضوع خواسته می‌شود که خود را به‌عنوان بازیگران یک سناریو فرض کنند و در مورد واکنش‌های خود تصمیم بگیرند. بدین ترتیب این رویکرد روش خوبی برای سیاست گذاران است تا نحوه تأثیر سیاست‌های فعلی خود را بر آینده، و میزان کارایی این سیاست‌ها را در درازمدت، شبیه سازی کنند.

۷.«**دلفی**»[6]: دلفی نوعی مشاوره شامل ۲ گام (مرحله) است؛ گام یکم شامل پخش پرسشنامه با هدف جستار دیدگاه های اولیه از طیف بزرگی از کارشناسان یک حوزه خاص می‌شود. پاسخ‌ها گردآوری و جهت نظرسنجی دوباره برای همه شرکت کنندگان در همه پرسی پس فرستاده می‌شود. دیگر پرسشی که از شرکت کنندگان همه پرسی مطرح می‌شود، خودارزیابی آنها از سطح صلاحیت خود برای پاسخ به پرسشها است. دلفی روش خوبی برای بدست آوردن یک تصویر کلی از چیزهایی است که در یک زمینه خاص از علوم در حال رخ دادن است. ارسال دوباره پرسشنامه‌ها برای شرکت کنندگان نهایتاً باعث می‌شود که نوعی اجماع نظر در مورد پیش بینی آینده آن حوزه بدست آید.

۸.«**روندکاوی**»[7]: روندها، الگوهای تغییر در چیزهای پراهمیت از دید مشاهده گر هستند که در طول زمان بوقوع می‌پیوندند. نخستین گام در آینده پژوهی، کشف روندهایی است که هم اکنون در جریان هستند. این روش در حقیقت پیش بینی آینده از روی قرائن و شواهد تاریخی است که تغییرات یک داده در گذشته نشان می‌دهد. روندکاوی بویژه برای سنجش کارایی سیاستگذاری‌ها و نمایان ساختن مشکلات در حال ایجاد، سودمندمی‌باشد.

۹.«**تجزیه و تحلیل پیش رانها**»[8]: برای شناسایی پیشران‌هایی که روندهای آتی را شکل می‌دهند، از این روش بهره‌گیری می‌شود. با این روش بویژه می‌توان تعامل بین پیشران‌ها را مورد بررسی دقیق قرار داده و بدین طریق پیشران‌هایی اصلی که شکل دهنده آینده هستند، را تشخیص داد.

۱۰.«**سناریوپردازی**»[9]:سناریوها تصاویری از آینده‌های محتمل هستند. این تصاویر درونا به هم وابسته هستند. سناریوها، از اطلاعات مربوط به احتمالات و روندهای متنوع (و بعضاً واگرا)، تصاویری باورپذیر و درونا سازگار از آینده ایجاد می‌کنند. هدف از بکارگیری سناریوها، ایجاد فضایی از ممکنات است

1.Horizon Scanning
2.Road map
3. Back Casting
4. Modeling
5. Simulation & Gaming
6. Delphi
7. Trend Analysis
8. Drivers Analysis
9.Scenario

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

کـه در آن کارایـی سیاسـت‌های اتخـاذ شـده در برابـر چالش‌هـای موجـود آینـده در بوتـه آزمایـش قـرار می‌گیرنـد.

در رویکـرد آینـده پژوهـی فراینـد برنامه‌ریزی شـهری بـرای انجـام فعالیـت برنامه‌ریـزی در مراحلی به شـرح ذیـل صـورت می‌گیـرد: "«مرحلـه اول: شـناخت وضع موجـود»؛ «مرحلـه دوم: تعییـن مسـائل کلیـدی»؛ «مرحله سـوم: آینده‌نـگاری»؛ «مرحله چهارم: ترسـیم چشـم‌انداز و تعییـن حوزه‌هـای هـدف»؛ «مرحلـه پنجم: تهیه سـبد سـناریوها»؛ «مرحله ششـم: گزینش سـناریوی مطلـوب»؛ «مرحلـه هفتـم: هـدف گـذاری کیفـی و کمـی»؛ «مرحلـه هشـتم: سیاسـت گـذاری»؛ «مرحلـه نهـم: تدوین پروگـرام های اجرایـی»؛ «مرحله دهـم: اجـرا و پایـش فرآینـد»؛ «مرحلـه یازدهـم: بازخـورد»".

مهدویت در آیینه ادیان

در ادیـان الهـی مهدویـت و اعتقـاد بـه ظهـور مهـدی موعـود یـک اعتقاد عام و جهان‌شـمول اسـت و تمامی ادیـان الهـی بشـارت موعـود و وعـده منجـی را سـر داده‌انـد و معتقدنـد کـه کار نیمه تمـام و ناتمـام انبیـاء و ادیـان الهـی بـه دسـت این مـرد بزرگ کامـل خواهد شـد. اینـک مـا به بررسـی فرهنـگ مهدویت در سـطح ادیـان الهـی می‌پردازیـم.

۱. «**مهدویـت در آیینـه مسـیحیان**»: اعتقـاد بـه ظهـور منجـی آخرالزمـان درآییـن مسـیح بـه قـوت پذیرفتـه شـده اسـت. بنابـر اعتقـاد مسـیحیان نجـات دهنـده، فارقلیـط بـه معنـای تسـلی‌دهنده و شـفیع و مـددکار اسـت؛ امـا در عهـد جدیـد، مـراد از آخریـن نجات‌دهنـده همان عیسـی مسـیح اسـت که بـار دیگر زنـده خواهـد شـد و جهـان سراسـر فسـاد و تباهـی را نجـات خواهـد داد. از جملـه کتب مسـیحیت می توان بـه انجیـل متـی، لوقـاء، مرقـس، برنابـا و مکاشـفات یوحنـا اشـاره کرد. مسـیحیان معتقدند حضرت مسـیح موعـود یهود می‌باشـد. یهودیان، ناکامـی آن حضرت را در تشـکیل حکومـت جهانـی، دسـت‌آویز رد آن مدعـا نموده‌انـد.

۲. «**انجیـل**»: مهدویـت و فرهنـگ اعتقـاد بـه ظهـور منجـی آخرالزمـان در کتـاب مقـدس مسـیحیان آمده اسـت. در انجیـل برنابـا نویدهـای مهـدی (عـج) بـه صراحت آمده اسـت، ولی نظر به اینکه مسـیحیان آن‌را معتبـر نمی‌داننـد؛ مـورد دیگـر کـه از نجـات دهنده‌ای سـخن می‌گویـد کـه درآخرالزمـان ظهور خواهـد کرد، عیسـی نیـز با او خواهـد آمد و او را جـلال خواهد داد و از سـاعت و روز ظهـر او جـز خدا کسـی اطـلاع ندارد و او کسـی جـز حضـرت مهدی(عج) نمی‌باشـد.

۳. «**مهدویـت در یهـود**»: موضوع مهدودیـت در نرد یهودیـان نیز بعنـوان یک اعتقـاد اصولی پذیرفته شـده اسـت. یهودیـان معتقدنـد کـه در آخرالزمـان منجـی و رهاننـده‌ای بـه نـام «ماشـیح» ظهـور خواهـد کـرد که او را از نسـل حضـرت داوود (ع) می‌شـمارند. در کتـاب مقـدس یهودیـان، عبرانی، عنوان مسـیح یا ما شـیح به معنای مسـح شـده خداوند توصیف شـده اسـت و عدم اعتقـاد بـه ظهور ماشـیح بـه منزله انکار گفتـار حضرت موسـی و دیگـر انبیـای بنی اسـراعیل تلقی می‌شـود.

۴. «**زبـور**»: در زبـور حضرت داوود(ع)کـه تحت عنوان «مزامیـر» در کتـاب عهـد عتیـق آمده اسـت، نویدهای در مـوردت ظهـور حضـرت مهدی(عـج) داده شـده اسـت. تـا جایـی کـه می‌تـوان گفـت، در هـر بخـش زبـور اشـاره‌ای بـه ظهور آن حضرت شـده اسـت. جالب توجـه این‌کـه مطالبی کـه قـرآن کریم پیرامـون ظهور حضـرت مهدی(عـج) از زبور نقـل کـرده، در زبور فعلی عینـاً موجـود اسـت، و از تحریـف مصـون مانده اسـت. قـرآن کریـم چنیـن می‌فرماید:«وَلَقَـدْ كَتَبْنَا فِـي الزَّبُورِ مِـن بَعْـدِ الذِّكْـرِ أَنَّ الأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَـادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ و در حقیقـت، در زبـور پـس از تـورات نوشـتیم که زمین را بنـدگان شایسـته مـا بـه ارث خواهنـد بـرد. طبـق روایـات متواتـر اسـلامی، ایـن آیـه مربـوط بـه ظهـور حضـرت مهدی(عـج) می‌باشـد.

۵. «**مهدویـت در تـورات**»: در سـفر پیدایـش چنین می‌خوانیـم: نـام تـو ابراهیم خواهد بود، امـا در خصوص اسـماعیل تـو را اجابت فرمـودم. اینـک او را برکت داده بـارور گردانم، و او را بسـیار کثیر گردانـم، دوازده رئیس

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی بوجود آورم، از ابراهیم امتی بزرگ و زورآور پدید خواهم آمد و جمع امت‌های جهان از او برکت خواهند یافت. نکته: از نسل حضرت اسماعیل (ع) تنها یک پیامبر یعنی وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) به رسالت برگزیده شدند. به علاوه تمامی جانشینان آن حضرت نیز از نسل حضرت اسماعیل(ع) می‌باشند. برای توضیح بیشتر می‌توان در عهد عتیق به کتاب‌های اشعیا نبی (فصل۱ و ۴۵)، ذکریا نبی (فصل۱۴)، صفنیاء نبی (فصل۳)، سلیمان نبی (فصل۲)، حجی نبی (فصل۲)، اول سموئیل (فصل۲)، دوم سموئیل (فصل۱۲ و ۲۳) و حزقیال نبی (فصل۲۱) مراجعه نمود.

۶. «**قرآن کریم**»: در قرآن کریم کتاب مقدس مسلمان اعتقاد به ظهور مهدی موعود بعنوان یک اصل اعتقادی پذیرفته شده است. آنچه از بررسی آیات هدایت‌گر قرآن کریم استفاده می‌شود که دین در تمام دوران تاریخ بشر همواره یکی بوده و آن اسلام بوده و سرانجام دین اسلام همه کره زمین را فرا خواهد گرفت و بر همه ادیان جهان پیروز خواهد گردید، و این در هنگامی است که حضرت مهدی (عج) ظهور کند و حکومت واحد جهانی را تشکیل دهد و برنامه جهانی شدن اسلام و وعده‌های خداوند را تحقق بخشد. به همین جهت خداوند در قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم (ع)، حضرت اسماعیل (ع)، پیامبر اکرم، حواریون حضرت عیسی(ع) به هنگام بحث از گروندگان به آئین حق با لفظ اسلام، مسلم و مسلمین یاد فرموده است. از آن‌چه گفته شد، این نتیجه به دست می‌آید که: تأسیس حکومت واحد جهانی و ظهور مبارک حضرت مهدی با وحدت جامعه و جهانی شدن اسلام ارتباط کامل دارد. و برای اتمام نویدهای قرآن کریم ظهور حضرت مهدی یک امر حتمی و لازم است، چه آن‌که بدون تحقق وعده‌های قرآن وظهور حضرت صاحب الزمان(عج) اسلام ناتمام است و آن‌گونه که باید رسالت جهانی خود را ایفا ننموده است.

۷. «**مهدویت در نگرش شیعی**»: از نظر شیعه جفای امت اسلام نسبت به امام علی(ع) و فرزندان معصوم مخصوص است. او، تاریخ اسلام پس از پیامبر اکرم (ص) در حوزه سیاست و حکومت به انحراف گرائید و پیامدهای منفی متعددی نیز در پی داشت که یکی ازآنها محرومیت جامعه از رهبری معنوی و آسمانی بود؟ چر که امام علی(ع) و پس از امامان معصوم (ع) پیشوایان دینی سیاسی بر حق خلافت و امامت انحصاری داشته‌اند و دیگران، غاصب حق و معصوم‌اند و لذا (جائر) و (باطل) می‌باشند. و این انحراف تاکنون ادامه داشته است. شیعیان منتظرند که آخرین بازمانده از امامان معصوم (ع) ظهور کند و تاریخ اسلام ودر نهایت تاریخ انسان را به مسیر طبیعی و الهی‌اش بازگرداند. در آن صورت، اسلام، عزیز و همگانی می‌شود ومسلمانان، توان‌مندانه بر جهان چیره می‌گردند. امام، برخلاف «امیر یا خلیفه» در نزد اهل‌سنت پس از پیامبر اسلام (ص) درهر عصری برترین انسان روی زمین است و هیچ‌کس بر او برتری ندارد. علامه مجلسی پس از نقل احادیث مربوط به اقتدای عیسی (ع) به مهدی در نماز و پس از پیش کشیدن مسئله برتری امام یا بنی می‌نویسد: آنها دو پیشوایند، یکی نبی و دیگری امام و اگر بنا باشد، هنگام حضور هر دو یکی از آنها، پیشوای دیگری باشد، او امام است که پیشوای نبی است... و اگر چنین باشد، پس امام افضل از مأموم است، زیرا در شریعت محمدی(ص) امر چنین است: مجلسی (۱۴۰۳، ۸۹/۵۱۵۱) البته این نظریه در صورتی می‌تواند نشانی از اعتبار داشته باشد که عیس صرفا سمت نبی داشته باشد و امام نباشد. بنابراین اگر عیسی، امام هم به حساب آید، صورت فرف می‌کند. بنابراین، اقتدای عیسی(ع)به مهدی(عج) نه تنها مشکلی به وجود نمی‌آورد و نیازی به توجیه ندارد بلکه تأیید کننده این باور است که منجی و حاکم آخرالزمان مهدی موعود(عج) است وعیسی(ع)آن‌چه را انجام می‌دهد، تحت رهبری و امات او و در جهت تأیید دین آخرالزمانی اسلام است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

بیشتر احادیثی که به نزول و ایفای نقش عیسی(ع) در آخرالزمان اشاره دارند و در منابع شیعی نیز ذکر شده‌اند، دارای اسناد و برگرفته از مأخذ اهل‌سنت هستند. این احادیث در منابع شیعی هم تأیید شدند، اما همواره نقش محوری از آن مهدی (عج) است. در باور شیعی ناظر به تولد امام دوازدهم (عج) نیز شواهد ظاهری تاریخی به گونه‌ای بود که درنظر مسلمانان غیر امامیه و حتی بسیاری از امامیه این امر محل انکار و تردید قرار گرفت. شهادت برخی یاران نزدیک امام عسکری(ع)بود که ثابت کرد. امام یازدهم صاحب فرزندی بودند که او را فقط به افراد معتمد نشان دادند. انتظار شیعه بر آن بود که زمین هرگز از جهت خداوند خالی نمی‌ماند و لذا محال بود که امامی معصوم، ولو در پس پرده غیبت وجود نداشته باشد. هم ایمان مسیحی بر عروج عیسی و هم ایمان شیعی به تولد امام غایب (عج) مبتنی بر شهادت مؤمنانی بود که چنین انتظاری از پیش در آن شکل گرفته بود.

گفتمان مهدویت و آینده جهان

مهدویت به عنوان مدینه فاضله و ظهور منجی موعود تدبیری الهی است تا آمال بشریت در طول قرن‌ها تحقق یابد. تحقق چنین عصری مستلزم آماده بودن زمینه‌ها و شرایط لازم می‌باشد. بدین جهت است که مهدویت می‌تواند با پدیده‌ای به نام جهانی‌شدن ارتباط پیدا کند. بدون تردید مدینه فاضله مهدوی دارای ویژگی‌هایی است که در مطالعه تطبیقی حاضر توجه به آنها ضرورت دارد. در ذیل برخی از این ویژگی‌ها و ابعاد بررسی شده است:

الف) مهدویت و فلسفه تاریخ: در مورد فلسفه تاریخ و غایت آن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و در برخی نگرش‌ها تاریخ خصلتی ثوری دارد و همواره در چرخه‌های خاص خود در حال تکرار است. هر چند چنین نگرشی در برخی مذاهب باستان کثل آیین هندو وجود دارد اما در ادیان آسمانی ـ ابراهیمی تاریخ سرانجام داشته و دارای غایتی است که در حال حکت بدان سو می‌باشد. شرایط جدیدی برای بش می‌باشد که یک جامعه بشری مبتنی بر فطرت الهی را به وجود می‌آورد. د چنین جامعه‌ای کل بشریت سهیم بوده و غایت و آمال تمامی انسان‌هاست. بدین جهت عصر مهدوی از تعلق به قوم و قبیله و نژاد خاصی بری بوده و غایت مشترک بشری می‌باشد. انتظار ظهور منجی موعود، در واقع، انتظار تحقق غایت بشری می‌باشد که به تدبیر الهی بر جهان حاکم خواهد شد.

ب) روی‌کرد جهانی مهدویت: ادیان خصلتی جهانی دارند. به دلیل وحدت ذاتی جهان هستی که همه امور به ذات حق برمی‌گردد، پیام الهی برای تمامی انسان‌هاست. و تنوع ادیان آسمانی نه به دلیل تنوع در محتوا و پیام، بلکه در ویژگی‌های عصری آنهاست. اعتقاد به مهدویت تحقق بخش فطرت بشری نیز می‌باشد. انسان فطرتاً هویتی الهی دارد و بدین جهت اشتراک بشریت د هویت اله مستلزم تحقق جامعه‌ای جهانی خواهد بود و هرگونه تعلقات عارضی جغرافیایی و قومی و نژادی در برابر چنین هویت مشترکی صبغه‌ای زوال‌پذیر و ثانوی دارند و در نتیجه توان تقابل و تعارض با هویت مشترک الهی را ندارند. از این رو اعتقاد به مهدویت به دلیل ابتنأ بر هویت فطری و الهی انسان‌ها تمامی بشریت را در برمی‌گیرد و بعدی جهانی پیدا می‌کند.

ج) روی‌کرد الهی ـ دینی: همان‌طور که در عصر حاضر، پدیده جهانی‌شدن، عرصه بازگشت ادیان را به عرصه سیاست فراهم ساخته است و ناکارآمدی ایدئولوژی‌های مبتنی بر سکولاریسم روشن شده است، حکومت جهانی ناگزیر از توجه به عنصر دین به عنوان یک عنصر هویت‌بخش فراگیر می‌باشد. حکومت جهانی مهدوی(عج) عملاً به دلیل ابتنأ بر نگرش دینی ـ الهی به زندگی سیاسی اجتماعی حایز چنین ویژگی و خصلت می‌باشد. در جامعه مهدوی وجود امام معصوم(ع)لطف الهی است که به هدایت خویش و اجرای کلام الهی خوی شو جرای احکام الهی جامعه را به سوی سعادت سوق می‌دهد.

د) پیش‌رفت علوم و عقول بشری: تکامل فکری

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

بشـری و رشـد آگاهـی انسـان‌ها از دسـت‌آوردهای حکومـت جهانـی مهدوی تلقی می‌شـود. علـم و دانش یکـی از مـکارم و مفاخـر انسـانی اسـت. حضـرت آدم بـه واسـطه این‌کـه از موهبـت علـم الاسـماء بهره‌منـد بـود مسـجود فرشـتگان گردیـد. علـم و دانـش انـواع و مراتـب بسـیاری دارد و جـز پیامبـران و اولیـای خـاص خداونـد کـه از علـوم مختلـف و مراتـب آن بهره‌منـد بودنـد اکثریـت انسـان‌ها تنهـا در زمینه‌هایـی خـاص و بـه صـورت محـدود بـه آن دسـت یافته‌انـد. یکـی از دسـت‌آوردهای حکومـت مهدوی این اسـت کـه علم و دانـش در همـه ابعاد آن گسـترش یافته و افـراد جامعه از کامل‌تریـن مواهـب علمی برخـوردار خواهـد گردید.

دکترین مهدویت و آینده جهان

انـواع دکترین‌هـای متفاوتـی در رابطـه بـا مهدویـت مطـرح اسـت کـه در ایـن پژوهـش تنهـا تاکیـد بـر دکتریـن نسـبتاً غالـب مـورد پذیـرش امـام (ره) بـوده اسـت[1]. از سـویی دیگـر، «دکترین قیام»، در دو سـطح قابـل بحـث اسـت: الـف) دکتریـن قیـام تیـپ اول یـا «دکتریـن وجـوب حکومـت»؛ ب) دکتریـن قیـام تیـپ دوم یـا دکتریـن جـواز تصـرف[2].

الـف) دکترین قیـام تیـپ اول یا دکتریـن وجوب حکومـت: در ایـن دکتریـن، شـبکه‌ای از مفاهیـم (توحیـد، نبـوت، عـدل، امامـت، معـاد) بدیـن صـورت شـکل گرفتـه کـه امامـت معصـوم، یکـی از مفاهیـم پنجگانـه بنیادیـن آن اسـت. همچنیـن در راسـتای مفهـوم امامـت، بـه مهدویـت و غیبـت کـه یکـی از ارکان اصلـی تفکـر سیاسـی شـیعه اسـت، می‌رسـیم. از ایـن‌رو، دربـاره ماهیـت زندگـی سیاسـی شـیعه در دوره غیبـت، یـک دکتریـن بـه تعطیلـی و تحریـم حکومـت بـرای تحقـق احـکام اسـلامی حکم کـرد که شـرح آن گذشـت و دیگـری بـه وجـوب حکومـت نظر دارد. اینـک بـرای آشـنایی با نـوع دوم، یعنـی دکترین وجـوب حکومـت، مدلی را کـه این دکتریـن به نمایش می‌گـذارد، ارائـه می‌دهیـم. بنابرایـن در ایـن دکتریـن، حکومـت، جایگزیـن امامـت معصـوم در شـرایط غیبت می‌شـود و بـا توجـه بـه اذن امـام، بسـیاری از وظایـف و مسـئولیت‌های ولایـی امـام را بـه انجـام می‌رسـاند. در ایـن دکتریـن گفتـه شـده اسـت: «هـر آنچـه کـه نبـی و امـام به‌عنوان سـلاطین مـردم و دژهای اسـتوار اسـلام در آنهـا ولایـت دارنـد، فقیـه نیـز بر آنهـا ولایت دارد[3] مگـر آن‌چـه کـه بـه دلیل اجمـاع و نص اسـتثناء شـده‌اند. فلـذا هـر کاری کـه بـه امـور دینی یـا دنیوی مـردم مربـوط می‌شـود، می‌بایسـت انجام شـود و هیچ راه فـراری بـه دلایـل مختلـف وجود نـدارد یـا به حکم عقـل و عـادت و بـه لحـاظ توقـف امـور معـاش و معاد و انتظـام دیـن و دنیـا یـا به حکم شـرع از جهـت ورود امـر بـه آن یـا اجمـاع و یـا نفی ضـرر و یا عسـر و حرج و فسـاد بـر مسـلمانان یـا بـه هـر دلیـل دیگـر، واجـب باشـد و نیـز کارهایـی که ضرورت آن مشـخص اسـت، ولی مسـئولیت آن بر عهده شـخصی نهاده نشـده است یـا امـوری کـه شـارع، اذن داده، ولـی مأمـور اجـرا در آن معلـوم نیسـت، در همـه ایـن مـوارد، وظیفـه فقیـه اسـت کـه تصرف نمـوده و آن را انجام دهـد» (ایزدهی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۱).

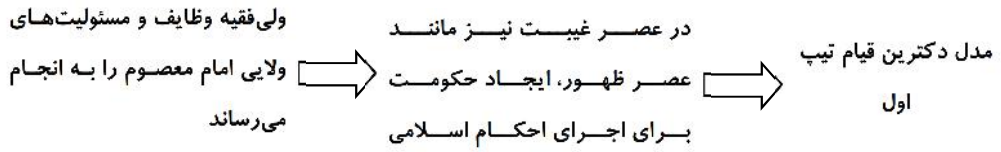
ویژگی‌هـای دکتریـن قیـام کامـلاً در مقابـل دکتریـن اسـقاط تکلیف قرار گرفته اسـت؛ چراکـه نظریه‌پردازان ایـن دکترین بـر این باورند که اگر شـئون و شـخصیت اسـلامی و نیـز شـعایر اسـلام و احـکام آن، در جامعـه کم‌رنـگ شـود یـا مـورد اهانـت قـرار گیـرد، بـه یقین، کسـی که از همه بیشـتر نگران و آزرده خاطر می‌شـود، شـخص شـخیص آن، ولـی اعظـم خداسـت. از ایـن‌رو، بایـد در کاسـتی‌ها و کمبودهـا بیندیشـیم و بـرای رفع معایـب و نواقـص کمـر همـت ببندیـم؛ زیـرا ایـن همه اسـراف و تبذیـر، ایـن همه افـراط و تفریـط و این همه

۱. قائلین به دکترین وجوب حکومت ولایت فقیه به ترتیب عبارتند از: ۱. علامه حلی (متوفای ۷۲۶ هـق)؛ ۲. محقق کرکی (متوفای ۹۴۰ هـق)؛ ۳. ملا احمد نراقی (متوفای ۱۲۴۵ هـق)؛ ۴. صاحب جواهر (متوفای ۱۲۶۶ هـق)؛ ۵. امام خمینی (متوفای ۱۴۰۹ هـق)؛

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: عیسی نیا، رضا (۱۳۸۷) درآمدی بر دکترین‌های مرتبط با فلسفه مهدویت در جمهوری اسلامی؛ علمی ـ پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱۵.

۳. ملا احمد نراقی، یکی از قائلین به دکترین وجوب حکومت، دراین‌باره می‌گوید: «دلیل بر اینکه قلمرو حکومت فقیه به‌سان اختیارات پیامبر و امامان معصوم (ع) است، مقتضای ظاهر اجماع است؛ چراکه بسیاری از فقها به آن تصریح کرده‌اند، به‌گونه‌ای‌که از سخنان آنان فهمیده می‌شود که این امر نزد آنان از مسلمات بوده است (نک: ایزدهی، ۱۳۸۴، ص ۵۳۰).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



اختلاف طبقاتی و فقر و پریشانی، شایسته جامعه منتظر نیست[1] بر این اساس، ویژگی‌های جامعه منتظر عبارت است از: ۱. بطلان تفکر غرب‌گرایی و غرب‌زدگی؛ ۲. تمسک تام و تمام به هویت اسلامی؛ ۳. کم‌رنگ نشدن شئون و شعایر اسلام و احکام آن در جامعه؛ ۴. امیدواری به یاری خدا و پیروزی اسلام؛ ۵. استقامت دینی در برابر هجوم دشمنان اسلام؛ ۶. رفع کاستی‌ها و کمبودها و رفع اختلاف طبقاتی و فقر و پریشانی؛ ۷. اصلاح خود و جامعه؛ ۸. جامعه منتظر، تمدنش اسلامی و برگرفته از قرآن مجید است؛ ۹. جامعه‌ای زنده، قوی، قدرتمند، شجاع، صادق و خودکفا؛ ۱۰. در برابر مؤمنان، متواضع در برابر کافران، سرسخت و نیرومند؛ ۱۱. جامعه‌ای باعفت و پارسا در همه زمینه‌ها؛ ۱۲. رشد و اشاعه اخلاق اسلامی. خلاصه، جامعه منتظر باید بهتر و کامل‌تر از آنچه هست، باشد؛ یعنی برنامه‌هایش صحیح‌تر و به‌طور کلی، همه چیزش در مسیر انتظار باشد. بنابراین، خط غرب‌گرایی و تضعیف استقلال اسلامی باید منفور باشد، تمسک تام و تمام به هویت اسلامی باید افتخار و گرایش به بیگانگان عار باشد. با حفظ این ویژگی‌هایی که برای جامعه منتظران برشمردیم، اکنون ویژگی‌های دکترین آن را نیز در محورهای زیر مشاهده می شود:

۱. «**انتظار همراه با عمل**»: چون همه انتظار داریم وجود مبارک بقیه‌الله اعظم را، لکن با انتظار تنها نمی‌شود (رحیم‌پور، ۱۳۸۱، دفتر ۴۲، ص ۳۶۷) بلکه باید همراه با انتظار، گام‌هایی هم در این جهت برداشت.

۲. «**مبارزه با معصیت، گناه و ظلم**»: این دکترین بر خلاف دکترین اسقاط تکلیف، می‌گوید: نگویید بگذار تا امام زمان بیاید. [مگر] شما نماز را هیچ وقت می‌گذارید تا وقتی امام زمان (عج) آمد، بخوانید؛ حفظ اسلام واجب‌تر از نماز است. منطق حاکم خمین را نداشته باشید که می‌گفت: «باید معاصی را رواج داد تا امام زمان بیاید؛ اگر معصیت رواج پیدا نکند حضرت ظهور نمی‌کند» (همان، ص ۳۷۰) این دکترین می‌گوید که اگر نظر شماها مثل نظر بعضی عامی‌های منحرف، آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد تا عالم را ظلم فرا گیرد و مقدمات ظهور فراهم شود، فانالله و انا الیه راجعون. صاحب‌نظران این دکترین استدلال می‌کنند که اصلاً حضرت صاحب تشریف می‌آورند برای چی؟ برای اینکه گسترش بدهند عدالت را،... برای اینکه فساد را از بین ببرند (همان، ص ۳۷۱).

۳. «**ایجاد حکومت**»: بحث مورد نظر در این ویژگی، این است که برای رفع ظلم و آمادگی دولت کریمه، چه گام‌هایی و در چه وسعتی می‌توانیم برداریم؟ حضرت امام خمینی پاسخ این پرسش را در ایجاد حکومت در عصر غیبت می‌داند. بر این اساس می‌گوید: «لزوم حکومت به منظور بسط عدالت و تعلیم و تربیت و حفظ نظام جامعه و رفع ظلم و حراست مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز بیگانگان، از بدیهی‌ترین امور است، بی‌آنکه بین زمان حضور و غیبت امام و این کشور و آن کشور فرقی باشد». (همان، ص ۳۷۸). پس وجود حاکمی که برپا دارنده و نگهدارنده نظم و قانون اسلام باشد، ضرورت دارد. از این‌رو، بنا به ضرورت شرع و عقل، آنچه در دوره حیات رسول اکرم (ص) و زمان امیرمؤمنان، علی بن ابی‌طالب (ع) لازم بوده، یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداره، پس از ایشان نیز در زمان ما لازم است. امام خمینی در ادامه بحث خود، پس از اینکه می‌گوید

۱. پیام آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی در ۱۳ شعبان ۱۴۲۲ هـ. ق کتاب گفتمان مهدویت، ۱۳۸۱ صص ۱۶ و ۱۷.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مفاهیم	دکترین‌های عصر انتظار		دکترین‌های عصر ظهور		
	دکترین اسقاط تکلیف یا تعطیلی حکومت	دکترین قیام	دکترین عدل مبتنی بر علم	دکترین قیام طبیعی	دکترین قابلیت اجتماعی
وضعیت جهان	پر از ظلم و جور و فساد	---	---	پر از ظلم و جور	هم ظلم و فساد و هم عدالت و مبارزه با ظلم
وضعیت جامعه	جامعه‌ای پر از گناه و بی‌بند و باری	خواهان جامعه‌ای باعفت و پارسا در همه زمینه‌ها	پیروزی از روی علم امام	عدم پذیرش و پیروزی از راه جنگ و جهاد و خونریزی	پذیرای دولت کریمه، چون به دوره سوم مرحله تاریخی خود رسیده است
نظم اجتماعی	ناامنی و هرج و مرج	تلاش برای ایجاد امنیت	امنیت جهانی	امنیت جهانی	امنیت جهانی
موقعیت حکومت	جدایی دین از سیاست و تعطیلی حکومت	عینیت دین و سیاست و وجوب حکومت	یک حکومت	یک حکومت	یک حکومت
موقعیت فرهنگ	روا داشتن محرمات	تلاش برای فرهنگ اصیل اسلامی	یک فرهنگ	یک فرهنگ	یک فرهنگ
موقعیت دین	جدایی دین از حوزه عمومی	حضور دین در حوزه عمومی	یک دین	یک دین	یک دین
قانون و دولت	همکاری با دولت طاغوتی و بی‌قانونی به‌منظور ظهور دولت کریمه	ایجاد دولت و قانون اسلامی برای اجرای احکام اسلامی	یک قانون یک دولت	یک قانون یک دولت	یک قانون یک دولت
ارزش‌ها	رشد و اشاعه مسائل ضداخلاقی	رشد اشاعه اخلاق اسلامی	اوج و شکوفایی ارزش‌های اسلامی	اوج و شکوفایی ارزش‌های اسلامی	اوج و شکوفایی ارزش‌های اسلامی

جدول ۱. جدول مقایسه دکترین‌ها؛ ماخذ: عیسی نیا، ۱۳۸۹.

هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که دیگر لازم نیست از حدود و ثغور و تمامیت ارضی و وطن اسلامی دفاع کنیم و وارد بحث مهمتری می‌شود و اعلام می‌دارد هر که اظهار کند تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است (همان، ص ۳۸۴).

آرمانشهر ایرانی در دوران اسلامی

بی‌شک یکی از مهمترین موضوعات در حوزه آینده‌پژوهی ضرورت تدقیق در ساختار شهر و ظهور واژگان و ترمینولوژی خاصی به نام «آرمانشهر» بوده است. در ایران دوره اسلامی، آرمانشهر از سه دیدگاه قابل بررسی است:

۱. «**عرصه دین**»: انّظار و آرزوهایی که در پیرامون آن پدید آمده خود به اندیشه آرمانشهری الهام بخشیده است.

۲. «**عرصه حکمت و فلسفه**»: سه تن از بزرگترین حکیمان ایرانی (فارابی، ابن سینا و خواجه نصیرالدین

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

طوسی) مبتکر اندیشه مدینه فاضله‌اند.

۳. «**عرصه ادب و عرفان**»: الگو یا صورت مثالی آرمانشهری است که حوزه‌های دین و ادب را در برمی‌گیرد. در این عرصه مفاهیم آرمانی در طی طریق یک مکاشفه روحانی و تجربه‌ای استحسانی از سلوک معنوی انسان معنا می یابد که می توان به مولانا اشاره داشت.

در رابطه با آرمانشهر ایرانی در عرصه دین باید گفت که؛

۱. «**زاهره**»: زاهره شهر است که چون دیگر شهرهای آرمانی در گوشه ای از کره خاکی ما نهاده است. دراز او، پهنای آن یک ماه راه است، در کنار دریاست و رودهایش پر آب و چشمه سارانش زلال و جوشان است. فرمانروای شهر، طاهر نام دارد و فرزند امام غایب (عج) است. وی در قصری بهشت آیین می نشیند، رخت درویشی می پوشد و رهبری سیاسی و دینی دارد (مقدس اردبیلی، ۱۳۶۱، ص ۷۷۰- ۷۶۵).

۲. «**جزیره خضراء**»: این جزیره در باختر برّ قدیم، در دل آبهای سپید قرار دارد و شریعت اسلام حاکم بر دین و دولت توأمان است. مردم چشم به راه امام دوازدهم اند و در روز آدینه لشکریان سوار بر اسب در میدان شهر گرد می‌آیند و برای تعجیل ظهور آن حضرت دعا می خوانند (نامی النجار، ۱۴۰۶، ص ۱۶۲- ۱۰۶).

۳. «**انظار**»: انّظار همه مسلمانان در این نکته اتفاق نظر دارند که سیر تاریخ اسلام پس از خلفای راشدین رو به انحطاط رفته است، اما در فرجام آن اختلاف دارند. سُنیّان چنین سیری را دور شدن از وضع آرمانی می دانند و اما شیعیان آن را به سوی چنین وصفی می بینند و باور دارند که تاریخ بشر به رغم فراز و نشیب فرجامی خجسته دارد. برداشت شیعه از جامه پس از ظهور، صلح و آرامش و رفاه و برابری است که الهام بخش جامعه آرمانی است و شهرهایی نام برده شده که اکنون وجود دارد و زیر فرمان فرزندان امام زمان (عج) است.

در عرصه حکمت، شهر آرمانی سه ویژگی دارد:

۱- شهر بر رهبری حکیمی فرزانه استوار است.

۲- نظام سیاسی و اجتماعی اغلب طبقاتی است و هرکس بر حسب شایستگی‌هایش در طبقه‌ای که سزاوار اوست، قرار می گیرد.

۳- حکومت ضرورتی ناگزیر و ضامن بقای جامعه مدنی است (اصیل، ۱۳۷۴، ص ۱۳۷).

(*) **آرمانشهر ایرانی و ابونصر فارابی** (۳۳۸-۲۵۹ هـ.ق): انسانهای اهل مدینه فاضله فارابی همه در راه کمال هستند و هریک از آنان دیرتر یا زودتر از دیگری به نقطه‌ای مادی یا معنوی دست می یابند که این امر خود برانگیزنده حرکتهای فردی بصری می شود[1]. «**نظام حاکم**»: نظام حاکم بر این شهر نظامی است که انسان را به جایی می برد که جز به خدا نمی اندیشد. معلم ثانی همه جا تأکید دارد که عنان رهبری مدینه فاضله را به سمت مردمی می سپارد که رئیس اول نام دارد که شخصیت اول جامعه و نزدیکترین فرد به یزدان پاک است. «**اجتماع و اجتماع پذیری**»: از نظر فارابی انسان موجودی مدنی بالطبع است و حیات بشر بدون تعاون و اجتماع پایدار نمی ماند. هر فرد در راه نیل به کمال فطری به اموری احتیاج دارد که تنهایی قادر به اقدام به آنها نیست و فقط در اجتماع و

۱. صفت فاضله گویای آرمان حکیم در جست و جوی جامعه کمال مطلوب بود. مدینه فاضله در اندیشه فارابی، از معموره زمین آغاز می‌شود و در کوچکترین حد خود، به شهر اطلاق می‌گردد. چنین نگرشی، افزون بر اینکه از مفهوم اسلامی دارالاسلام سرچشمه می‌گیرد، بسی فراتر از محدوده جغرافیایی ملت هاست. دریافت فارابی از جامعه کامل، جامعه‌ای بزرگ است که ملتهای بسیار را در برگرفته و چنانچه رهبری آرمانی زمام را به دست گیرد مدینه فاضله در محدوده آن تحقق خواهد یافت. مدینه فاضله فارابی، جامعه ایست کاملاً روحانی که تصور جزئیات آن بسی دشوار است. با این که بحث وی گسترده و مفصل است، اما همه جا به کلی گویی بسنده می‌کند و به روابط ملموس سیاسی و اجتماعی نمی‌پردازد. جامعه مدنی (اجتماع مدنی) برای نظام طبقاتی مدینه فاضله، آگاهی اجمالی به دستگاه فلسفی فارابی ضرورت دارد. زیرا ساختار شهر آرمانی وی پژواک ذهن و برداشت عقلانی وی از نظام کائنات است. در دستگاه فلسفی فارابی، همه کائنات از فیضان وجود نخست یا ذات پروردگار پدید آمده است و موجودهای عالم در نظامی متنازل قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب که پس از موجود نخست که مبداء المبادی است، سلسله مراتب موجودهای عالم به ترتیب الانقص فالانقص از کمال به نقصان سیر می‌کند تا به مرحله‌ای می‌رسند که گامی فروتر از آن نیستی محض است. از این رو در شهر آرمانی فارابی، خیر افضل (سعادت آدمی و نیکی برین) تنها در اجتماع مدنی به دست می‌آید نه در اجتماعی که از آن کمتر یا ناقص باشد و انسانها به حکم سرشت و برای رسیدن به کمال، نیازمند همکاری و تشکیل اجتماعند، نیازهای آدمی چنان متنوع و فراوان است که هیچ کس به تنهایی نمی‌تواند همه آنها را برآورده سازد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

در تعـاون بـه کمـال مـی رسـد. پس نـه تنها تأسـیس اجتمـاع ناشـی از طبـع بشـر اسـت بلکـه جماعـت هم غایتـی جـز کمـال آدمـی نـدارد (داوری اردکانـی، ۱۳۵۴، ص ۱۰۵- ۱۰۴). «**پیوسـتگی و همبستگی اجتماعـی**»: از دیدگاه فارابی انسـان از جمله جانورانی اسـت کـه بطـور مطلق نـه بـه حوائج اولیـه و ضروری زندگـی خـود می رسـد و نـه گروهـی و اجتمـاع گـروه هـای بسـیار در جایـگاه و مـکان واحـد و پیوسـتگی به یکدیگـر (آزاد ارمکی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۳). «**نشـانه های زندگـی جمعـی**»: مدینـه فاضلـه فارابـی جامعـه ای اسـت که در آن عدالت و سـعادت واقعی حکمرواسـت و رئیس و مرشـد آن مدینه از حکماسـت و قدرت رهبری و هدایت دارد (حسـینی، ۱۳۵۷، ص ۸۴). از نظر فارابی نشـانه های زندگـی جمعی عبـارت اسـت از: ۱- افراد و گـروه هـای بسـیار؛ ۲- مـکان واحـد؛ ۳- پیوسـتگی و ارتبـاط بـا یکدیگر؛ ۴- هدفـداری. فارابی زیـر بنای کار را فضیلـت و کمـال مـی دانـد و مـی گوید خیـر افضل و کمـال نهایـی انسـان در مدینـه و اجتماعـات حاصل مـی شـود (آزاد ارمکـی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۴). «سـعادت بشـری»: فارابـی سـعادت را بـر دو قسـم مـی دانـد: ۱. سـعادت حقیقـی کـه مطلـوب لذاته اسـت و همـه امور و خیـرات نسـبت بـه آن در حکـم وسـیله اسـت و این سـعادت معنوی اسـت و در آخرت محقق می شـود؛ ۲. سـعادت دیگر آن اسـت کـه جمهور آن را سـعادت می داننـد ماننـد ثـروت، لـذات و سـایر اموری کـه مردمان آن را خیـرات مـی انگارنـد (داوری، ۱۳۵۴، ص ۱۰۲). «**اندام واره گرایی شـهر**»: فارابی دیدگاهـی اندامگرا دارد. وی شـهر را بـه جسـم آدمی تشـبیه مـی کند که بایـد کامل، خوش ترکیب و با توزیع مناسـب و درسـت کارکردهـا باشـد. سلسـله مراتـب یک ضرورت اسـت.

(*) آرمانشـهر ایرانـی و خواجـه نصیـر الدیـن طوسـی (۶۷۲- ۵۹۷ هــ.ق): وی طـرح مدینه فاضله فارابـی را اقتبـاس کـرده و آن را در کتـاب اخـلاق ناصـری آورده اسـت. از دیـد او نابرابـری آدمیـان امری اسـت طبیعـی؛ و تقسـیم کار اجتماعـی کـه موجب پیدایـی جامعـه مدنـی و پیوسـتگی آن اسـت، خـود از ایـن نابرابـری سرچشـمه می گیـرد. وی بـرای تأییـد گفتـه اش حدیثـی بـه ظاهر مجهـول نیز مـی آورد که مـی گویـد: لـو تسـاوی النـاس لملـک و جمیعـاً (اگـر مـردم برابـر باشـند، هـر آینه همه هـلاک می شـوند). رهبـر آرمانـی وی چهـار خصلـت دارد: ۱- حکمت. ۲- خردمنـدی. ۳- اسـتعداد و قـدرت اقنـاع. ۴- دلیـری و تـوان جهـاد (خواجـه نصیرالدیـن طوسـی، ۱۳۶۱، ص ۳۰۰- ۲۷۹).

(*) آرمانشـهر ایرانـی و ابـن سـینا (۴۲۸- ۳۷۰ هــ.ق): در اندیشـه سیاسـی وی نیـز نوعـی آرمانشـهر بـه نـام مدینـه عادله مطرح شـده اسـت کـه رئیس آن پیامبـر (ص) اسـت. وی بـه یـاری وحـی جامعـه را بـه سـوی سـعادت راهبـری مـی کند. بـا توجه بـه این که ریاسـت پیامبر رخدادی تکرارنشـدنی است، پس از وی خلیفـه یـا امام جانشـین وی می شـود که بایـد جامعه را راهبـری کند. ایـن رهبری ۴ شـرط دارد: ۱- دلیری. ۲- اعتـدال. ۳- حسـن تدبیـر. ۴- خردمنـدی.

راهبردها و راهکارهای تحقق شهر امن[1]

۱. «**زیباانديشـی و زیباسـازی**»: اولیـن عامل ظهور و بـروز شـهر امـن، زیبایـی اسـت. خداونـد جمیـل بـه انسـانهای نیکـوکار وعـده ورود بـه شـهر امـن داده و از میـان همـه نعمت‌ها بیشـترین تاکید را بـر زیبایی‌های بهشـت قرار داده و اسـاس خلقت جهان را زیبایی بیان فرمـوده اسـت.[2] «إِنَّـا جَعَلْنـا مـا عَلَـى الْأَرْضِ زِينَـةً لَهـا لِنَبْلُوَهُـمْ أَيُّهُـمْ أَحْسَـنُ عَمَـلا؛ مـا آنچـه را روی زمیـن اسـت، زینـت آن قـرار دادیـم تا بدین وسـیله مـردم را امتحـان کنیـم کـه چـه کسـی بهتـر عمـل می‌کنـد» (کهـف: ۷).

۲.«**آمـوزش هدفمند**»: آمـوزش هدفمند شـهروندان بـا شـاخص‌های یک انسـان کامل برای امروزین شـدن،

۱. مطالب این بخش از مقاله «بررسی و تحلیل عوامل موثر در تجلی شهر امن از دیدگاه اسلام» استخراج شده است که به قلم دکتر حمید رضا صارمی در شماره ۲۷ نشریه مدیریت شهری به چاپ رسیده است.
۲. کهف: ۳۱- حج: ۲۳- فاطر: ۳۳- انسان: ۲۱

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

ضرورت و نیاز شهرها برای پیاده سازی شهر امن است. دستور رسول گرامی اسلام برای آموزش از روز تولد تا پایان زندگی پایه و اساس آموزش شهروندی است. ضرورت آموزش نیاز به توضیح ندارد، اما اینکه آموزش با چه هدفی انجام شود، بسیار مهم است. برای پیدایش حکومت قانون و جهت پیشگیری از ناامنی، جامعه نیازمند آموزش مناسب و هدفمند با تکیه بر مقتضیات زمانی است. این آموزش‌ها باید در راستای ارائه خدمات اجتماعی و شیوه رفتارهای زندگی امروزین تدوین شوند. درک متقابل افراد از رابطه بین فضا و جامعه جهت رعایت ضوابط و هنجارها در قالب سازگار نمودن افراد، مرحله اول آموزش است. در مرحله دوم آموزش، تدوین چارچوبهای اجبار اجتماعی برای آموزش متمردین از انضباط اجتماعی و در صورت عدم پذیرش، اجبار قانونی در پذیرش و در نهایت تأدیب آنها جهت همسانی و هماهنگی در هنجارهای اجتماعی است.

۳. «**پویایی**»: دست‌یابی به شهرهای پویا و تحول گرا در چشم انداز آینده، از دیگر عوامل پیاده سازی شهر امن است. اصولاً مبنای جهان و انسان و همه هستی رو به کمال و تکامل است. این تکامل باید در همه ابعاد شکل بگیرد. پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم در حدیث معتبر و معروفی فرمودند: «قد نجی من کان غده خیرا من أمسه و من ساوی یوماه فهو مغبون و من کان أمسه خیرا من یومه فهو ملعون؛ هر کس که فردایش از دیروزش بهتر باشد، نجات پیدا کرد، و هر کس دو روزش مساوی باشد، او مغبون است و هر کس دیروزش بهتر از امروزش باشد، ملعون است» (جعفری، ۱۳۷۶: ج ۲۵، ص ۲۴۰).

۴. «**رعایت عدالت در اداره شهر**»: در تبیین شهر امن از منظر اسلام، هنجارهای اجتماعی حاکم بر زندگی مردم به کالبد و امنیت شهر شکل داده و شهر امن را به منصه ظهور می‌رساند. هنجارهای اجتماعی مجموعه دستورالعمل‌ها و نظامات برگرفته از دین برای زندگی انسانهاست. اگر بتوان این نظامات مهندسی رفتارهای اجتماعی را در یک فرایند الهی سامان و شکل داد، به دنبال آن فضاهای کالبدی با همین ویژگی‌ها شکل خواهند گرفت. در میان این هنجارها، عدالت از موضوعات مهم و بسیار وسیع در اداره شهرها محسوب شده و ظلم و ستم در مقابل آن قرار دارد. آیات متعدد از قرآن مجید با صراحت کامل، نابودی اجتماعات گذشته را معلول ظلم و ستم معرفی می‌کند.[1] عدالت مفهومی عام، فراگیر و مقبول در همه جوامع است. بر پایه اعتقاد شیعیان و همچنین آیات و روایات، ظهور منجی عالم برای اجرای عدالت بوده و آبادانی و امنیت شهرها در نتیجه اجرای عدالت توسط آن عزیز خدا خواهد بود. خداوند بصیر بدون هیچ قید و شرطی با صراحت و قاطعیت امر به عدالت فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ ....؛ خداوند به عدل و.... فرمان دهد» (نحل: ۹۰).

۵. «**مسکن مطلوب**»: نیاز به مسکن در جوامع مختلف یک اصل اساسی و بااهمیت است. این نیاز علاوه بر ضرورت اساسی آن به عنوان سرپناه از ویژگی‌هایی مانند فرم مطلوب مسکن، استحکام مسکن، امنیت مسکن، میزان دسترسی و نیز فاصله مناسب ساکنان به تسهیلات و خدمات کالبدی محله، دسترسی به طبیعت و فضاهای سبز، تأمین تجهیزات و زیرساخت‌ها مورد نیاز مسکن، همجواری مسکن با کاربری‌های سازگار، نمای ساختمان، معماری ساخت، تعداد طبقات و موارد فراوان دیگر برخوردار بوده و دارای شاخص‌های کمی و کیفی برای اندازه‌گیری است. نیاز ضروری شهرها به سکونت و همچنین کیفیت آن باعث شده تا مسکن مطلوب از منظر قرآن به یکی از عوامل ظهور و بروز شهر امن تعبیر شود.

۶. «**نظم و تدبیر در طراحی**»: «نظم و آراستگی و پیچیدگی و کمال چه در اشکال و چه در ترکیب آنها یک مبنای دینی است. معماری اسلامی برای خلق نظم و بسامانی هر چه بیشتر در بنا به هندسه‌ای دقیق و خالص روی می‌آورد و همواره از اشکال کامل

۱.یونس: ۱۳و انعام: ۶ و مریم: ۹۸

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

هندسی و منظّم سود می‌جوید. بدین طریق معمار از ریاضیات و هندسه متعالی برآمده از آن، که به زعم قُدما تنها علمی است که می‌تواند به وجهی، تصویری از علم خداوندی و انتظام مطلق حاکم بر آن را به بشر بنمایاند، برای ساختن فضای ایده‌آل و مطلق مورد نظرش کمک می‌گیرد و آنچنان معماری را به وجود می‌آورد که اشکال کامل و پرصلابت هندسی برآن حکومت می‌رانند (مظلومی، ۱۳۶۶، ص ۱۶۷).

۷. «**مهربانی، محبت و خوشرفتاری**»: بر اساس فطرت انسانی و مدنی‌الطبع بودن انسان و نیاز افراد جامعه به یکدیگر در تامین معاش و برقراری نظم و امنیت اجتماعی، پیاده‌سازی مکانهایی برای ارتباط جسمی و عاطفی برای پیوند دادن احسان و معاشرت یکی از عوامل تجلی شهر امن است. برای بروز محبت در جامعه، ترسیم نقشه و تحلیل ساخت اجتماعی جامعه بر اساس شرایط زندگی امروزین ضروری است. از منظر اسلام، احسان، عطوفت و محبت به همه مردم، به ویژه افرادی که پیوند خونی دارند، از عوامل آبادانی و امنیت شهر است. حضرت محمد صلی‌الله و علیه، محبت کردن (حتی توسط کافران) را عامل آبادانی شهر بیان فرموده‌اند.

۸. «**استحکام بخشی به زیرساختها و بناهای شهری**»: استحکام و مقاوم سازی در زیرساختها و بناهای شهری یکی از اصول شهر امن است. در آیات قرآن وجود مواهب جهان مادی همه از نعمت‌های خداوند محسوب شده و وجود آنها در نظام خلقت لازم است. بهره‌برداری از نعمت‌های الهی وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت و تکامل انسان یاد شده است. استوارسازی و اساسی کردن کار و پرهیز از ظاهرسازی و نیرنگ بازی، از اصول ساخت در شهر امن است. در معماری این اصل اهمیت فراوانی دارد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «من بنی فاقتصد فی بنائه لم یؤجر؛ هرکه با کاستن مواد، ساختمانی بسازد، پاداش داده نمی‌شود» (مجلسی، ج ۷۶، ص ۱۵۰).

۹.«**بهبود کیفیت محیط شهر**»: بالابردن کیفیت محیط شهری در جهت آسایش و خوشایندی شهروندان یکی دیگر از اصول بروز شهر امن است. بهبود محیط شهری موضوعی تصنُعی نیست، بلکه از نیازهای انسان برای بهبود کیفیت سکونت و امنیت بیشتر است. خداوند غفور در آیات مختلف به برخی عناصر طبیعی به عنوان مصادیق بهبود کیفیت فضای محیط شهری اشاره فرموده است:«وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَنْبَتْنا بِهِ حَدائِقَ ذاتَ بَهْجَةٍ؛ چه کسی آسمانها و زمین را آفریده و از آسمان برای شما باران فرستاده که به وسیله آن باغهایتان را بارور و سبز و خرّم می‌کنیم»(نمل:۶۰).

۱۰.«**بهره‌گیری از خردمندان در اداره امور شهر**»: یکی از تأکیدهای دین مبین اسلام واگذاری امور جامعه به دست افراد دانشمند و خردمند است. امیرالمومنین علی علیه‌السلام در نامه مشهور خود به مالک اشتر می فرماید: «در استوار ساختن صلاح کار شهرهای خود و به پاداشتن آنچه مردم پیش از تو به پا داشته‌اند، بسیار با دانشمندان مذاکره و با خردمندان گفتگو کن»(نهج البلاغه(انصاری)، ۱۳۷۳، ص ۲۳۴).

۱۱.«**فقرزدایی**»: اصولاً یکی از ناامنی‌های زندگی انسان به دلیل کمبودهای مادی و عدم اطمینان مالی به آینده است. برنامه‌ریزی صحیح برای رفع نیازهای اساسی همه مردم، به ویژه گروه‌های آسیب پذیر از روش‌های مناسب توانمندسازی این اقشار برای امنیت بخشی به شهر است. در اسلام پرداخت وجوهاتی مانند خمس و زکات از واجبات دینی شمرده شده و به پرداخت آنها تأکید شده است. یکی از اهداف این احکام در دین مبین اسلام توجه به فقرا و مستمندان و جلوگیری از فقر در جامعه است. در روایات فراوانی به صراحت عدم پرداخت زکات را موجب ناامنی و پرداخت آن را موجب برکت و امنیت به شمار آورده و عامل پیشگیری از بلایا و ناامنی بیان کرده‌اند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:«امّت من تا زمانی که به یکدیگر

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

خیانت نورزند و امانت را برگردانند و زکات بدهند، پیوسته در خیر به سر می‌برند و هر گاه چنین نکردند، به قحطی و خشک‌سالی گرفتار می‌شوند» (کمره‌ای، ۱۳۶۴: ج۱، ص ۲۵۶).

۱۲.«**تقویت فعالیتهای اجتماعی**»: یکی از اصول شهر امن، سامان بخشی به فعالیت‌های اجتماعی در قالب خانواده، همسایه، محله و شهر است. تدوین چارچوب تعاملات اجتماعی در جهت محبت و مساعدت بدون دخالت و تجسس در امور یکدیگر به عنوان یک مرز روشن برای تعاملات اجتماعی، مقدمه تقویت فعالیت‌های اجتماعی است. از منظر دین مبین اسلام مرز این تعاملات به روشنی بیان شده است. روایات دینی حرمت همسایه را مانند خون او در نظر گرفته‌اند. «حرمة الجار علی الجار کحرمة دمه؛ حرمت همسایه بر همسایه چون حرمت خون او است» (نهج‌الفصاحه (مجیدی خوانساری): بی تا، ص ۴۴۰).

۱۳. «**تعمیق بخشی ارتباط با خدا در جامعه**»: عبادت و بندگی خدا یکی از مهمترین اصول بروز شهر امن است. این موضوع در جایگاهی از اهمیت قرار دارد که خداوند منان هدف از خلقت را عبادت بیان فرموده است. «وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُونِ؛ ما جن و انسان را خلق نکردیم جز برای اینکه عبادتم کنند» (ذاریات: ۵۶).

نتیجه گیری و جمعبندی

در ادیان الهی مهدویت و اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان، یک اعتقاد عام و جهان شمول است. تعابیر بسیار بلندی از همه انبیاء از اول تا خاتم راجع به حضرت حجت(عج) رسیده و تقریباً جزء اجتماعی‌ترین موضوعات بین همه ادیان الهی و ابراهیمی بشارت موعود و وعده منجی است و همه گفته‌اند کار نیمه تمام و ناتمام انبیاء و ادیان به دست این مرد بزرگ کامل خواهد شد. باری در تمام ادیان آسمانی فرهنگ غنی مهدویت به دلیل ابتنا بر هویت فطری و الهی آدمیان با هدف تحقق وحدت انسان‌ها پذیرفته شده است و رنگ و بوی جهانی پیدا کرده است و به جهانی‌شدن فرهنگ مهدویت منجر شده است. اما پرسشی که در متن این پژوهش تمام رخ هویدا گشت این بود که چه نسبتی بین پدیده جهانی‌شدن با حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) برقرار است. در پاسخ به این پرسش می‌توان ذات جهانی‌شدن را در متن آموزه‌های مهدویت جست تعابیر و تفاسیر مختلفی که در روایات و اخبار ملاحم در بیان ویژگی‌های عصر ظهور حضرت مهدی آمده است که صدای آن حضرت را همه جهانیان در هنگام سخن می‌شنوند و یا سیمای مبارک وی را می‌بینند مؤید جهان‌گستری آموزه‌های مهدویت است. البته در تبیین ارتباط دو مفهوم مهدویت و آینده شهرها در قالب جهانی‌شدن باید به تعاریفی که از جهانی‌شدن می‌شود توجه کرد، چرا که:

۱. اولاً لزوماً مفهوم جهانی‌شدن در تمامی قرائت‌های خود با مهدویت اسلامی سازگاری ندارد به عنوان نمونه جهانی‌شدن در تعریف غلبه ارزش‌های غربی و هژمون شدن فرهنگ امریکایی نسبتی با آموزه‌های مهدویت ندارد یا تفاسیر نئومارکسیستی از پدیده جهانی‌شدن در تضاد با مفهوم مهدویت قرار می‌گیرد. جهانی‌شدن فرآیندی است که همراه با رشد تکنولوژی ارتباطات موجب فشردگی زمان و مکان هم‌جواری مجازی، کش آمدن مناسبات اجتماعی در طول مکان و کوچک شدن جهان گردیده است. با این حال می‌توان نشانه‌هایی از ارتباط و سازگاری بین جهانی‌شدن با فرهنگ مهدویت ایجاد کرد و با نگرش ابزاری ـ فرآیندی به جهانی‌شدن می‌توان ره‌یافت و برداشتی از جهانی‌شدن ارائه کرد که زمینه فهم ما را از چگونگی تحقق مهدویت در معنای عام خود که مقتضای ادیان آسمانی است فراهم نماید.

۲. نکته دوم این‌که دکترین مهدویت در ذیل مفهوم جهانی‌شدن با هدف تحقق وحدت انسان‌ها شکل می‌گیرد چرا که در آموزه‌های مهدویت هویت فطری و الهی انسان‌ها، مشترک و فرازمانی و فرامکانی تعریف می‌شود. از طرفی پدیده جهانی‌شدن با تحقق ابزاری

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

فضـای ارتباطـی، تشـدید آگاهـی و جداسـازی هویـت از مـکان و اهمیت‌یابـی فضـا، زمینـه مناسـبی را بـرای تحقـق وحـدت جامعـه بشـری در اضـلاع جهانـی را فراهم می‌سـازد.

۳. نکتـه سـوم این‌کـه دکتریـن مهدویـت را نبایـد بـه عنـوان یـک تئـوری صرفـاً مذهبـی یـا سیاسـی و یـا اسـطوره‌ای مطـرح نمـود بلکـه بایـد آن‌را در ذیـل تئوری‌هـای جهانـی بـا تحـولات جهانـی و ارتباطـات جهانـی مطـرح کـرد و مهم‌تـر از همـه می‌تـوان از وجه فنـاور و تکنولوژیـک جهانی‌شـدن در راسـتای جهانـی کـردن مفهـوم مهدویـت اسـتفاده کـرد تـا گفتمـان مهدویـت در عصـر جهانی‌شـدن بـه گفتمـان غالـب ـ پارادایـم مسـلط ـ تبدیـل شـود.

لـذا در راسـتای ترسـیم چهـره آینـده شـهرها بـرای زمینـه سـازی ظهـور منجی عالم بشـریت باید شـهرها دارای ویژگیهایـی خـاص باشـند کـه بـر اسـاس نتایـج ایـن تحقیـق عبارتنـد از:

۱-«**شـهر عدالت**»: برقـراری عدالت عدل و قسـط از مهمتریـن ویژگیهای آرمانشـهر اسـلامی اسـت. تعادل و اعتـدال نیـز از مفاهیـم عدالت در آرمانشـهر اسـلامی اسـت (خیر الامور اوسـطها)؛ در آرمانشـهر اسـلامی که تحقـق مـکان زیسـتی مناسـب در بازآفرینـی اعمالـی خدائـی اسـت؛ در پیـروی از کلام پروردگار بـه برقراری عینـی عدالـت و نیـز قـرار دادن مناسـب هـر چیـز در جـای خود(معنـای حقیقـی عـدل) و خلـق مناسـب فضاهـا بـا اندازه هـای مناسـب اقـدام مـی نماید.

۲- «**شـهر ذکـر و تذکّـر**»: از آنجـا کـه از اهـداف باری تعالـی در آفرینـش انسـان، ذکـر و تسـبیح خالـق متعـال اسـت؛ (ما خلقـت الجن و الانس الّـلا لیعبدون)؛ از اهـداف آرمانشـهر اسـلامی، دادن تذکّـر مـداوم بـه آدمـی و یادآوری ذکر در همه ابعاد فضائی شـهر اسـت. هم تسـلّط کالبـدی عناصر معنوی بر سـیمای شـهری و هـم همجـواری عناصـر معنائی و محتوائـی در تمامی اجـزای شـهر، می تواند بـه پیدایش و احیای شـهر ذکر بیانجامـد. نمونـه هـای خردتـر فعلـی، قرارگیـری تکایا در معابـر و راسـته های شـهری و نیـز تسـلّط کالبـدی مسـجد بـه عنـوان عنصـری اسـلامی در شهرهاسـت. تلفیق تجسّـم عناصر طبیعی نظیر آب و فضای سـبز و پوشـش گیاهـی در فضاهای زیسـتی و عناصـر نمادین، امـکان «ذکـر» را مهیـا می نماید.

۳- «**شـهر طهـارت و پاکـی**»: تاکیـد بـر طهـارت معنائـی و محتوائـی در ظاهـر و باطـن جـزو ویژگیهای آرمانشـهر اسـلامی اسـت. همانطـور کـه پیکره‌هـای شـهرهای مسـلمین، بـا مجـاورت مسـجد(محل معنا)، مدرسـه(محل آمـوزش) و بازار(محـل مـادّه و کالا)، در هـم آمیخته انـد؛ در آرمانشـهر مطلـوب اسـلامی، تکیه بر «طیّب» شـهر پاکی و بهزیسـتی معنائی و محتوائی، ظاهـری و باطنی تاکید شـده اسـت. این پاکـی میتواند هم شـهر سـالم زیسـتی و سـکونتی مادّی باشـد. و هم پاکـی روحانـی و معنـوی آرمانشـهر را به همراه داشـته باشـد. و نشـان از «مبـرّی بـودن بیمـاری، ناهنجاری و تهدید باشـد.»

۴- «**شـهر اصـلاح**»: تذکر خداونـد بر عمـل صالحان در کنـار ایمـان و اصـلاح زمین، از موضوعاتی اسـت که در کتـاب خـدا تکرار گشـته اسـت. آرمانشـهر اسـلامی کـه در پـی تحقـق مدینـۀ فاضلـۀ خداگونـۀ زمینـی اسـت؛ در اصـلاح زمیـن و پاسداشـت میراث مشـترک تمدّنهـا می کوشـد. و به ترمیم ارتباط گسسـتۀ انسـان و طبیعـت برمـی آیـد. در آرمانشـهر اسـلامی، اصلاح و عـدم فسـاد از صفات و ویژگیهای خاصّ بسـتر شـهری است.

۵- «**شـهر شـکر**»: آرمانشـهر اسـلامی شـهر شکر و بهـره گیـری مناسـب از محیـط زیسـت، زیسـت بـوم، اسـتعدادها، پتانسـیّلها و قابلیّتهـای مـادّی و معنـوی اسـت. پرهیـز از کفران نعمت، اسـراف و تبذیـر از جلوه های آرمانشـهر اسـلامی اسـت.

۶- «**شـهر وحـدت**»: وحـدت فرد بـا جامعـه، وحدت جامعـه بـا محیـط، وحـدت اجـزا در کلّ، وحـدت در نگـرش، وحـدت در کالبـد و سـیمای شـهری، وحـدت در پراکندگـی یکسـان و متناسـب اجـزای شـهری(در عیـن توجّـه بـه مفهـوم عدالـت)، وحـدت مـردم شـهر بـا مسـئولان و بالعکـس، وحـدت تفکـر در رسـیدن به

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

خشـنودی خالـق یکتـا، وحـدت نظـر و عمـل؛ همگـی نشـانه هائی دالّ بر وحدت در آرمانشـهر اسـلامی است. آرمانشـهر اسـلامی وحـدت خالـق را بـا وحـدت اجزای خـود به نمایش می نهد. آرمانشـهر اسـلامی، انعکاسـی از یگانگـی و توحیـد خالـق جهـان را در خـود نمود می د هد

۷-**شـهر حفیّ**: «حفـیّ بـه معنـای زندگـی و حیات، ضـد مـرگ و نابـودی، دارای روح، رشـد و شـکوفائی و باروری اسـت». در آرمانشـهر اسـلامی، همـه چیز زنده اسـت و در پـی شـکوفائی و بالندگـی در رسـیدن بـه هدفـی واحد (قـرب الهی) ایـن زنده بـودن هم حکایت از سـرزندگی معنائی و روحی و روانی سـاکنان آن است و هـم نشـان از کاربـرد گـزارۀ تکنولوژیکـی در تمامـی اجـزای شـهری همگـون بـا طبیعـت و محیـط زیسـت شـهری دارد. آرمانشـهر اسـلامی، شـهر زندگی اسـت.

۸-«**شـهر امـن**»: آرمانشـهر اسـلامی، شـهر امنیّت و صلـح و اطمینـان خاطـر اسـت. «ایمـان و مومـن نیـز از ریشـۀ امـن انـد» وجـود ایمـان و افـراد مومـن در شـهرآرمانی اسـلامی، حکایت از امن بودن شـهر دارد و بالعکـس. آرمانشـهر اسـلامی امنیـت را در نظـر و عمل بـرای شـهروندان فراهم مـی آورد. امنیت رشـد و تعالی در آرمانشـهر اسـلامی موجود اسـت. آرمانشهر اسلامی شـهر امنیـت و صلـح اسـت. اطمینـان خاطـر جسـم و روح شـهروندان در عینیـت و ذهنیـت هـای شـهری جاری اسـت.

۹-«**شهر شأن واقعی انسـان در مقام خلیفۀالهی**»: برخـی آیـات قـرآن کریم بـه نحوی بـه مقام انسـان در جهـان هسـتی اشـاره دارند. انسـان بـه مناسـبت مقام خلیفۀالهـی خـود، مکان زیسـتی ای متناسـب بـا مقام خـود را می طلبـد؛ آرمانشـهر اسـلامی در پاسـخ به این نیـاز شـهری متناسـب بـا شـأن حقیقـی آدمی اسـت. در آرمانشـهر اسـلامی، ایـن آدمی اسـت کـه بر محیط مصنـوع تسـلّط دارد و نـه محیـط مصنـوع بـر آدمـی. در آرمانشـهر اسـلامی تاکیـد بـر تمامی ابعـاد وجودی آدمـی اسـت و نـه انحصـاراً بر بعـد مـادّی وی.فضاهای آرمانشـهر اسـلامی در تناسـب بـا شـأن واقعی انسـان، بـا پرداختـن بـه ابعاد انسـانی، محیـط زیسـت، و القای احسـاس قـرب اسـت نـه غربت. آرمانشـهر اسـلامی در تـلاش بر تداعی مفاهیم و معانی ای اسـت کـه بر ارتقاء معنـوی و مـادی آدمی بیافزاید. آنچه ذکـر گردید صرفاً برخی صفات و و ویژگیهای آرمانشـهر اسـلامی اسـت و نـه تمامـی ابعاد وجـودی متحققۀ ویژگیهای آرمانشـهر اسـلامی. در اندیشـۀ رویکـرد بـه آرمانشـهر، اسـلام به طـور عـام و تشـیّع به طـور خـاصّ دارای جهتگیری ای اسـت که نشـان از رویکـرد آینده نگرانـۀ و امکان تحقق تاریخی پیدایش آرمانشـهر اسـلامی در ظهـور و حضور انسـان کامـل، امـام دوازدهـم شـیعیان مهـدی موعـود بقیـۀ الله(عـج) را داراسـت. ایـن اندیشـۀ تحقـق ظهـور و حصـول بـه شـهر آرمانـی آرمانشـهر، دارای صفـات و ویژگیهـای منحصـر بـه خـود مـی باشـد کـه پـس از ظهـور آقـا امـام زمـان (عـج) صـورت عینـی بـه خـود خواهـد پذیرفت.

منابع و کتاب شناس

--- (۱۳۸۱) گفتمان مهدویت (مجموعه سـخنرانی‌ها)، قم، بوسـتان کتاب.

--- (۱۳۸۵) بیـداری اسـلامی- ماهنامـه تحلیلـی، تئوریـک مرکـز مطالعـات و پژوهش‌هـای بسـیج دانشـجویی- شـماره دوم سـال ۱۳۸۵، ص۱۶.

---- (۱۳۸۸) مبانـی آینـده پژوهـی و جایـگاه آن در ایـران و چنـد کشـور جهـان، گـروه مطالعـات بنیادین حکومتـی، اردیبهشـت ۱۳۸۸.

اسـلاتر، ریچارد (۱۳۸۶) دانـش واژه آینده پژوهی، ترجمه کرامـت زاده، عبدالحمید؛ محمدرضا فـرزاد و امیر ناظمی، مؤسسه آموزشـی و تحقیقاتی صنایع دفاعی

اصیـل، حجـت الله (۱۳۸۱) آرمان شـهر در اندیشـه ایرانـی، ویرایـش دوم، نشـر نـی، تهـران.

امـام خمینـی (۱۳۶۰) ولایـت فقیـه امـام، تهـران، انتشـارات امیرکبیـر.

ایزدهی، سید سـجاد (۱۳۸۴) اندیشه سیاسی ملااحمد نراقی، قم، پژوهشـگاه علوم و فرهنگ اسـلامی.

آرتـور، کریسـتین (۱۳۶۷) ایـران در زمـان ساسـانیان، ترجمـه رشـید قاسـمی، چـاپ پنجـم، انتشـارات

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

امیرکبیر، تهران.
آزد ارمکی، تقی (۱۳۷۴) اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان (از فارابی تا ابن خلدون)، انتشارات سروش، تهران.
برایسون ریچارد (۱۳۹۱) برنامه ریزی استراتژیک، ترجمه دکتر مهدی خادمی، انتشارات آریانا قلم، چاپ دوم، تهران.
بنیاد توسعه فردا (۱۳۸۴) روش های آینده نگاری تکنولوژی، گروه آینده اندیشی بنیاد توسعه فردا، تهران.
بهار، مهرداد (۱۳۵۷) گنگ دژ و سیاوشگرد، شاهنامه شناسی، بنیاد شاهنامه فردوسی، تهران.
پدرام، عبدالرحیم (۱۳۸۶) آینده پژوهی حوزه ای نو برای کندوکاو، سایت کشف آینده
پدرام، عبدالرحیم (۱۳۸۶) آینده نگاری سنت حاکم بر آینده پژوهی، سایت کشف آینده www.futuresdiscovery.com
خزائی، سعید (۱۳۸۶) آینده پژوهی، مفاهیم و ضرورت ها، سایت کشف آینده
پدرام، عبدالرحیم (۱۳۸۸) آینده پژوهی مفاهیم روش ها، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
پوچی، فرانکو (۱۳۷۷) تکوین دولت مدرن، ترجمه بهزاد باشی، نشر آگه، تهران.
توحیدی، محمدعلی (۱۴۱۷) مصباح الفقاهه، جلد پنجم، قم، انتشارات انصاریان، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ هـ ق.
جاسبی، عبدا... (۱۳۸۴) کلیاتی پیرامون جهانی‌شدن، تهران، انتشارات دفتر فرهنگ مقاومت.
جعفریان، رسول (۱۳۸۳) جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
جعفری، محمد تقی (۱۳۶۹) «حکمت اصل سیاسی اسلام: ترجمه و تفسیر فرمان مبارک امیرالمؤمنین علی (ع) به مالک اشتر»، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، تهران.
حسینی، سید هادی و محمد میره (۱۳۵۷) شهر و شهروندی در اندیشه فارابی، فصلنامه فارابی، فصلنامه مسکن و انقلاب شماره ۱۱۴، تابستان ۱۳۵۷.
خزایی، شعید و امیر محمودزاده (۱۳۹۲) آینده پژوهی، اصفهان، انتشارات علم آفرین.
خزائی، سعید و همایون جاذبی زاده (۱۳۸۷) هنر آینده نگاری، کشف آینده، شماره سوم www.futuresdiscovery.com
خزائی، سعید، و عبدالرحیم پدرام (۱۳۸۷) راهنمای گام به گام آینده پژوهی راهبردی، انتشارات کشف آینده
خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۶۱) اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی، انتشارات خوارزمی، تهران.
داوری اردکانی، رضا (۱۳۵۴) اجتماع و اجتماع پذیری فلسفه مدنی فارابی، انتشارات شورای عالی فرهنگ و هنر، تهران.
داوری اردکانی، رضا (۱۳۵۴) فلسفه مدنی فارابی، انتشارات شورای عالی فرهنگ و هنر، تهران.
رحیم‌پور، فروغ السادات (۱۳۸۱) تبیان (آثار موضوعی)، دفتر چهل و دوم (امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
رفی، هاشم (۱۳۴۵) تاریخ ادیان، تهران، انتشارات کاره، ج ۴ و ۵.
ریچارد اسلاتر و دیگران (۱۳۹۰) نواندیشی برای هزاره نوین، ترجمه: وحید وحیدی مطلق،
سیف الدینی، فرانک (۱۳۸۲) فرهنگ واژگان برنامه ریزی شهری و منطقه ای، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه شیراز.
سیف‌الدینی، فرانک (۱۳۸۱) مبانی برنامه ریزی شهری، نشر آییژ، چاپ اول، تهران.
شرافت، امیر حسین (۱۳۹۳) نگاهی به سیر مهدی پژوهی: از نقل روایات تا گفتمان مهدویت، به نقل از: خبرگزاری کتاب ایران، ایبنا.
عارفی، محمداکرم (۱۳۸۶) اندیشه سیاسی خویی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

عقیل ملکی‌فر (۱۳۸۵) الفبای آینده‌پژوهی، تهران.
علامه طباطبائی (۱۳۶۳) «تفسیر المیزان»، ترجمه سید باقر موسوی، تهران.
علی‌بابایی، غلامرضا و بهمن، آقایی (۱۳۶۵) فرهنگ علوم سیاسی، تهران، شرکت نشر ویس.
علیزاده، عزیز (۱۳۷۸) سناریوها: بهترین ابزار برای رویارویی با آینده، اندیشکده وحید.
علیزاده، عزیز، وحید وحیدی مطلق و امیر ناظمی (۱۳۸۷) سناریونگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها، موسسه مطالعات انرژی، تهران.
شوارتز، پیتر (۱۳۸۲) هنر دورنگری، ترجمه عزیز علیزاده، انتشارات مرکز آینده پژوهی علوم فناوری دفاعی، تهران.
فارابی، ابونصر محمد (۱۳۷۶) السیاسه المدینه، ترجمه حسن ملک شاهی- سروش، تهران.
فلامکی، محمد منصور (۱۳۶۷) فارابی و سیر شهروندی در ایران، نشر نقره، تهران.
کدیور، محسن (۱۳۷۶) نظریه‌های دولت در فقه شیعه، تهران، نشر نی.
کشف آینده (۱۳۸۷) خبرنامه الکترونیکی، کانون آینده پژوهان ایرانی، شماره های اول، دوم، سوم
گروه مطالعات آینده نگر (۱۳۹۱) ضرورتها و مبانی معرفت شناختی آینده پژوهی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
لامپونیانی، ویتوریو مانیاگو (۱۳۸۲) دانشنامه معماری قرن بیستم، ترجمه ضیاء الدین جاوید، نشر امتداد.
مبینی دهکردی، علی (۱۳۸۷) مگادایم ها الزام راهبردی، آینده سازمان ها، مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی، تهران
مبینی، غلامحسن (۱۳۹۱) متن پیشگفتار کتابچه همایش بین المللی گفتمان مهدویت، تهران.
مطهری، مرتضی (۱۳۸۱) مجموعه آثار، جلد هجدهم، قم، صدرا.
معرفت، هادی (۱۳۷۸) جامعه مدنی، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
معصومی اشکوری، حسن (۱۳۷۱) فرآیند برنامه ریزی شهری، یک الگوی سه سویه، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۱۸، تهران.
معصومی اشکوری، حسن (۱۳۸۷) راهنمای علمی برنامه ریزی و آینده پژوهی، انتشارات پیام، تهران.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲) ویژه‌نامه برترین‌های فرهنگ مهدویت، قم، بوستان کتاب.
ملکی فر، عقیل (۱۳۸۵) الفبای آینده پژوهی، اندیشکده صنعت و فناوری.
مور، تامس (۱۳۶۱) آرمانشهر، ترجمه داریوش آشوری، خوارزمی، تهران.
ناظمی قدیری، امیر (۱۳۸۵) «آینده نگاری از مفهوم تا اجرا»، مرکز صنایع نوین، وزارت صنایع و معادن، تهران
نامی النجار (۱۴۰۶) جزیره خضراء و تحقیق پیرامون مثلث برمودا، ترجمه و تحقیق علی اکبر مهدی پور، چاپ سوم، انتشارات نصر.
نوحی، سید حمید (۱۳۷۹) مقالهٔ شهر ربانی، «تأملاتی در هنر و معماری»، تهران، گام نو.
نهج البلاغه (۱۳۷۸) ترجمه جعفر شهیدی، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ پانزدهم، تهران.
ویکی پدیای فارسی؛ تاریخ برداشت مطلب: ۱۳۹۲/۸/۷.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]